

الف) اهداف

۱- هدف کلی: آشنایی با جهان برزخ و توانایی تبیین رابطه آن با دنیا و آخرت

۲- اهداف آموزشی:

■ شناخت جهان برزخ به عنوان عالم میان دنیا و آخرت

■ شناخت رابطه برزخ و آخرت و توضیح و تبیین آن رابطه.

ب) محورهای اصلی درس

۱- بنا بر آیات قرآن کریم، پس از مرگ و قبل از قیامت، انسان وارد عالمی به نام «برزخ» می‌شود.

۲- وجود حیات، شعور و آگاهی و ارتباط میان برزخ با دنیا، از ویژگی‌های عالم برزخ است.

۳- پیشوایان معصوم ما علیهم‌السلام درباره سرنوشت مؤمنان و کافران در برزخ، نکاتی را بیان کرده‌اند.

۴- از آیات قرآن کریم و کلام معصومان علیهم‌السلام به دست می‌آید که بهره‌ای از بهشت و جهنم آخرت، در برزخ

به ترتیب نصیب مؤمنان و کافران می‌شود.

۵- در برزخ پرونده اعمال انسان‌ها باز است و آثار کارهایی که در دنیا انجام داده‌اند، به آنان می‌رسد.

ج) اجزای تدریس

این درس، دارای قسمت‌های زیر است:

۱- تبیین «ویژگی‌های عالم برزخ»

اولین ویژگی دوران برزخ، جدایی روح از بدن دنیایی و دریافت روح توسط ملائکه و ادامه حیات او در

برزخ است. اما بدن دنیایی فعالیت‌های حیاتی خود را از دست می‌دهد. آیه ۹۷ سوره نساء و آیه ۳۲ سوره

نحل درباره دریافت روح هستند.

ویژگی دوم برزخ شعور و آگاهی در آن عالم است. گفت‌وگوی فرشتگان با انسان پس از مرگ و سخن

گفتن پیامبر با کشته شدگان جنگ بدر، شواهدی بر آگاهی آنان است. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که انسان

هوشیاری خود را پس از مرگ نه تنها از دست نداده، بلکه بر آن افزوده شده است؛ به طوری که می‌تواند

حضور فرشتگان را درک کند. آیات ۹۷ سوره نساء و ۳۲ سوره نحل به این موضوع اشاره می‌کنند. سومین ویژگی برزخ، مربوط به ارتباط این عالم با دنیا و تأثیر اعمال دنیایی بر وضع انسان در برزخ است. آیه ۱۲ سوره بس و آیه ۱۳ سوره قیامت، مربوط به این موضوع است. در این قسمت برخی از نمونه‌ها و مثال‌های امروزی از اعمال متأخر برای دانش‌آموزان ذکر شده است تا دانش‌آموزان به خوبی به این امر واقف شوند که بسیاری از اعمال انسان می‌تواند پس از مرگ وی نیز تداوم داشته باشد و موجب پاداش یا عقاب وی شود. این موضوع به‌ویژه در عصر امروز که به عصر ارتباطات مشهور است، نمود بیشتری دارد. چرا که هر مطلبی که در اختیار دیگران قرار می‌دهیم، به سرعت با ابزارهای نوین اطلاعاتی دست به دست می‌شود و اگر مطلب مفیدی باشد، به ازای هر کسی که از آن بهره برد و تا زمانی که این مطلب دست به دست می‌گردد، باعث بهره‌مندی انسان از ثواب آن می‌شود و اگر مطلب نامناسبی باشد، به ازای هر کسی که از آن تأثیر منفی می‌پذیرد، اسباب عقاب صاحب آن اثر فراهم می‌شود.

ذکر این ویژگی‌ها برای این است که دانش‌آموزان، به تفاوت دنیا با برزخ و برزخ با آخرت و سرنوشت عظیمی که پس از مرگ در انتظار هر کسی است، پی ببرند. بنابراین، دبیر باید در لابه‌لای سخنان خود به این موضوعات بپردازد و توجه دانش‌آموزان را به آنها جلب کند.

۲- انجام «فعالیت کلاسی»

این فعالیت، برای تکمیل ویژگی سوم برزخ است. هدف اصلی از این فعالیت، توجه دادن دانش‌آموزان به آثار و عواقب اعمال خودشان است. آنان با ذکر این مثال‌ها بهتر درمی‌یابند که کمتر عملی در دنیا هست که آثار طولانی‌مدت نداشته باشد و عموم اعمال و آثارشان حتی پس از مرگ هم باقی است.

۳- تبیین بخش «بیشتر بدانیم» با عنوان «دومینویی به امتداد جهان آخرت»

این قسمت درصدد تبیین بیشتر اعمال متأخر انسان در قالب یک مثال است. سرگرمی دومینو که در این بخش نام آن آمده است متشکل از تعداد زیادی قطعات کوچک مستطیلی شکل است که با فاصله مناسب در کنار هم چیده می‌شوند و با ضربه زدن به اولین قطعه و افتادن آن، سایر قطعات نیز تحت تأثیر ضربه آغازین یک به یک بر زمین می‌افتند. گاه در این سرگرمی از هزاران قطعه استفاده می‌شود که فقط کافی است کسی اولین ضربه را به اولین قطعه بزند تا انرژی اولین ضربه به قطعات دیگر منتقل شود. کتاب با استفاده از این مثال، ارسال یک پیام یا عکس یا فیلم از سوی ما در فضای مجازی را همچون ضربه زدن به اولین قطعه دومینو دانسته که موجب می‌شود این پیام دست به دست از شخصی به شخص دیگر منتقل شود. با این تفاوت که منتقل‌کنندگان یک پیام بسیار بیشترند و زمان این جابه‌جایی نیز گاه سال‌ها به درازا می‌کشد و قطعاً برای هر بار که این پیام به شخصی جدید منتقل می‌شود، ثواب یا عقابی برای ارسال‌کننده آغازین پیام نگاشته می‌شود.

۴- انجام فعالیت «تدبیر»

آیه اول به دو ویژگی «وجود حیات» و «وجود شعور و آگاهی» در عالم برزخ اشاره دارد. آیه دوم نیز به دو ویژگی «وجود حیات» و «وجود شعور و آگاهی» اشاره دارد.

۵- تبیین بخش «پاسخ سؤالات شما»

در این بخش که بنادارد به یکی از رایج ترین سؤالات دانش آموزان در موضوع مرگ و برزخ پاسخ دهد، به تبیین موضوع فشار قبر پرداخته است. برخی دانش آموزان گمان می کنند که منظور از فشار قبر، فشرده شدن دیواره های قبر به یکدیگر و فشار به بدن جسمانی است. این بخش برای رفع این اشتباه نوشته شده است.

۶- اندیشه و تحقیق

در این بخش، دو سؤال طرح شده است :

۱ سؤال اول درباره کلمه «توفی» است. توفی به معنای دریافت کامل است. خداوند در قرآن کریم می فرماید، ما هنگام مرگ نفس شما را به تمام و کمال دریافت می کنیم. روشن است که «توفی» مربوط به بُعد غیرمادی وجود انسان، یعنی روح اوست.

۲ سؤال دوم : هریک از موارد مطرح در این سؤال ممکن است دربرگیرنده یک یا دو ویژگی عالم برزخ باشند. در این سؤال، قسمت الف به «وجود حیات» و «وجود شعور و آگاهی» اشاره دارد، تلقین میت نشان می دهد وی زنده است و با مرگ حیات وی تمام نشده و با شعور و آگاهی که دارد، کلمات تلقین شده را می فهمد. قسمت ب به «وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا» و قسمت ج نیز بیانگر «وجود شعور و آگاهی» و «وجود ارتباط میان عالم برزخ و دنیا» است؛ زیارت قبور درگذشتگان، و توصیه دین به این کار نشان می دهد که آنان از شعور و آگاهی برخوردارند و حضور ما بر سر قبر را متوجه می شوند (همان گونه که پیامبر ﷺ و حضرت علی علیه السلام گاه بر سر قبور مردگان حاضر می شدند و با آنان سخن می گفتند) و همچنین نشانه ارتباط دنیا با عالم برزخ است.

۷- پیشنهاد

این آرم مربوط به «انجمن اهدای عضو» است و ارتباط آن با بحث اعمال ماتقدم و ماتأخر این است که با اهدای عضو و نقشی که این اعضا در نجات جان بیماران پیوندی دارند، باعث می شویم که پرونده اعمال ما حتی پس از مرگ نیز باز بماند و تا وقتی فرد پیوندی زنده است، ثواب و پاداش نجات جان وی، برای ما نوشته شود.

د) دانستنی های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱ آیاتی از قرآن کریم که مفسران در ذیل آنها، درباره برزخ بحث کرده اند :

هود/ ۱۰۵ تا ۱۰۸	انعام/ ۶۱
مؤمن/ ۴۶ و ۴۷	نوح/ ۲۵
مریم/ ۶۲	نساء/ ۹۷
آل عمران/ ۱۶۹ و ۱۷۰	مؤمن/ ۱۱
زمر/ ۴۲	یس/ ۲۶ و ۲۷
بقره/ ۱۵۴	روم/ ۵۵

برای تحقیق بیشتر به تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی و ... مراجعه شود.

۲ برخی احادیث درباره آگاهی و شعور در عالم برزخ

■ امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که مؤمن خانواده خویش را زیارت می کند؛ پس آنچه را دوست دارد، می بیند و آنچه را ناخوشایند می دارد، از او پوشیده می شود. کافر نیز خانواده خویش را زیارت می کند؛ پس، می بیند آنچه ناخوشایند است و از او پوشیده می شود، آنچه را دوست می دارد». امام فرمود: «پاره ای از ایشان هر جمعه زیارت می کنند و پاره ای بر حسب عمل خود زیارت می کنند» (اصول کافی، کتاب الجنائز، باب المیت یزور اهله، روایت ۱).

■ خضر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «از چه چیزی در قبر سؤال می شود؟ فرمود: از ایمان محض و از کفر محض [یعنی فقط از ایمان و کفر سؤال می شود تا مؤمن و کافر مشخص شود]». گفتم: وضعیت دیگر مردم چگونه است؟ فرمود: «به خدا قسم، آنان به حال خود رها شده اند و در آن هنگام توجهی به آنها نمی شود [این گروه مستضعفانند که ایمان و کفرشان مشخص نیست]». گفتم: «در قبر از چه چیزی می پرسند؟»، فرمود: «از حجت خدا که در میان آنهاست»؛ پس، به مؤمن گفته می شود: «درباره آن شخص (حجت خدا) چه می گویی؟»، مؤمن می گوید: «او امام من است». پس به او گفته می شود: «بخواب، خدا خواب را بر تو گوارا گرداند» و دری از بهشت به روی او باز می شود و پیوسته تا قیامت نسیمی از آن بر او می وزد. به کافر گفته می شود: «درباره آن شخص (حجت خدا) چه می گویی؟»؛ وی می گوید: «درباره او شنیده ام؛ اما نمی دانم کیست». پس به او گفته می شود: «دانستی [ولی انکار کردی]» و دری از جهنم به روی وی گشاده می شود و پیوسته تا قیامت آتشی از آن او را دربر می گیرد» (اصول کافی، ج ۳، باب المسأله فی القبر، روایت ۸).

■ از امام صادق علیه السلام درباره ارواح مؤمنان سؤال شد، فرمود:

«أرواحُ المؤمنین فی حجراتٍ فی الجنة، يأكلونَ مِن طعامِها و یسربون مِن شرابِها و یتزاورون فیها و یقولون: ربنا اقم لنا الساعة لتنجز لنا ما وعدتنا».

(المحاسن، ج ۱، ص ۲۸۵)

و چون از ارواح مشرکان سؤال شد، فرمود :
«فی النار یعذبون، یقولون لا تقم لنا الساعة، ولا تنجز لنا ما وعدتنا».

(بحار الانوار، ج ۶، صص ۱۶۹ و ۲۷۰)

■ امام سجاد علیه السلام فرمود :

«إِنَّ الْقَبْرِ رَوْضَةَ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، أَوْ حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ». قبر، باغی از بوستان‌های بهشت است یا حفره و گودالی از گودال‌های جهنم

(بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۱۴).

■ امام صادق علیه السلام فرمود :

«أَنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صِفَةِ الْأَجْسَادِ فِي شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ تَعَارَفُ وَتَسْأَلُ فَإِذَا قَدِمَتِ الرُّوحُ عَلَى الْأَرْوَاحِ تَقُولُ : دَعُوها فإنه قد أقبلت من هول عظیم ثم يسألونها ما فعل فلان و ما فعل فلان فإن قالت لهم : تَرَكْتُهُ حَيًّا ارْتَجَوْه و إن قالت لهم قد هلك قالوا : قد هوى هوى».

ارواح به صورت جسم در باغ‌های بهشتی هستند، همدیگر را می‌شناسند و از حال هم پرس و جو می‌کنند و با هم گفت‌وگو دارند. وقتی یکی از افراد دنیا به عالم برزخ می‌آید، برزخی‌ها به هم می‌گویند : فعلاً او را رها کنید که از هول و وحشت بزرگی خلاص شده، [پس از مدتی به سراغ او می‌آیند]، می‌پرسند از فلانی چه خبر؟ اگر بگویند آنها هنوز زنده هستند و در دنیا زندگی می‌کنند، امیدوار می‌شوند و اگر بگویند فلانی قبل از من مرد، می‌گویند : حتماً سقوط کرد و به جهنم برزخی افتاد.

(الفصول المهمة فی اصول الانمه، الحر العاملی، ج ۱، ص ۳۳۰).

هـ) منابع برای معلم و دانش آموز

با توجه به ثابت بودن موضوع، منابع قابل استفاده در این درس، همان منابع درس چهارم است.

واقعۀ بزرگ

درس ۷

الف) اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با مراحل وقوع قیامت و چگونگی محاکمۀ الهی
- ۲- اهداف آموزشی:
 - آشنایی با مراحل تکوین واقعۀ قیامت و توانایی تبیین آن
 - به دست آوردن درک صحیح از محاکمۀ الهی در روز جزا و سرنوشت انسان‌ها پس از آن
 - کسب مراتبی از خوف و رجا نسبت به آیندۀ خود در جهان آخرت

ب) محورهای اصلی درس

- ۱- برپایی قیامت دارای دو مرحله است که هر مرحله آن با یک نفع صور آغاز می‌شود.
- ۲- در مرحله اول بساط حیات روی زمین برچیده می‌شود و تحولی عظیم در آسمان‌ها و زمین رخ می‌دهد؛ به طوری که زمین به زمینی دیگر و آسمان‌ها به آسمان‌هایی دیگر تبدیل می‌شوند.
- ۳- در مرحله دوم همه انسان‌ها زنده می‌شوند و از دل زمین بیرون می‌آیند؛ پرده‌ها کنار می‌رود و حقایق دنیا آشکار می‌شود.
- ۴- دادگاه الهی برپا و به حساب انسان‌ها بر موازین عدل رسیدگی می‌شود. در دادگاه الهی، پیامبران و امامان به عنوان شاهد حضور دارند.
- ۵- نامۀ اعمال هر کسی - که عین اعمال او را تشکیل می‌دهد - در اختیار خودش قرار می‌گیرد و هرکس صورت واقعی خود را - زشت و زیبا - می‌بیند و مشاهده می‌کند.

ج) اجزای تدریس

در تدریس این درس باید به اجزای زیر توجه شود:

۱- تبیین «مرحلۀ اول قیامت»

دبیر محترم این حوادث را با حالت تنذیر و موعظه بیان می‌کند و در شرح این حوادث، نباید برداشت‌های شخصی را دخالت دهد، بلکه صرفاً به نقل و توضیح آن حوادث اکتفا کند. البته لازم است دبیران، خود را برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانش‌آموزان آماده کنند. این آمادگی با مطالعه کتاب‌های تفسیر، مانند

تفسیرالمیزان، تفسیر نمونه، تفسیر نور و تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی درباره معاد به دست می‌آید. ذکر این حوادث، در قرآن کریم و آوردن آنها در کتاب درسی، هم حتمی بودن معاد را برای دانش‌آموزان ملموس‌تر می‌کند و هم عظمت آن را بهتر نشان می‌دهد.

اولین حادثه، نفع صور اول است که در آیه ۶۸ سوره زمر آمده است. دومین حادثه، مرگ اهل آسمان‌ها و زمین است که در همان آیه به آن اشاره شده است. سومین حادثه، تغییر و تحول در آسمان‌ها و زمین است که در بسیاری از آیات قرآن، از جمله در سوره‌های انشقاق، تکویر، قارعه، زلزال، حاقه، فجر و انفطار ذکر شده است.

۲- تبیین «مرحله دوم قیامت»

دبیر گرامی، با همان بیان تندیروزی و موعظه‌ای، هریک از حوادث مرحله دوم قیامت را توضیح می‌دهد و از دانش‌آموزان می‌خواهد که آیه‌ای را که این حادثه در آن آمده است، مشخص کنند.

حادثه اول، نفع صور دوم و زنده شدن انسان‌ها است که از آیه ۶۸ سوره زمر به دست آمده است. حادثه دوم، کنار رفتن پرده از حقایق عالم است که از آیه ۶۹ سوره زمر به دست آمده است. حادثه سوم، برپا شدن دادگاه الهی است که از آیات ۶۹ سوره زمر و ۴۷ سوره انبیاء استخراج شده است. حادثه چهارم، حضور شاهدان و گواهان است که از آیه ۶۹ سوره زمر و ۲۱ سوره فصلت به دست آمده است. در این درس به سه مورد از این شاهدان؛ یعنی پیامبران و امامان، فرشتگان و اعضای بدن انسان اشاره شده است.

حادثه پنجم، دادن نامه اعمال است که از آیات ۱۹ و ۲۵ سوره حاقه به دست آمده است.

۳- انجام فعالیت «تدبیر»

براساس این آیات، توجه به فراهم آوردن گوشه نیکو برای جهان آخرت از طریق انجام اعمال صالح، ایمان به احکام الهی و عدم تکذیب یا بی‌توجهی به آنها، پیروی از سیره و روش پیامبر و اطاعت از دستورات او و درنهایت دقت در انتخاب دوست و هم‌نشینی با دوستان مؤمن می‌تواند ما را از حسرت روز قیامت نجات دهد.

۴- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

این «بیشتر بدانیم» بخشی از مناجات حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه است که برای تأثیر بیشتر درس ذکر شده است. در این دعا امام به بیان سختی‌های قیامت در قالب مناجات با خدا می‌پردازد. مناسب است که این بخش با صدای دلنشین استاد سماواتی برای دانش‌آموزان پخش شود.

۵- اندیشه و تحقیق

۱ در سؤال اول به ذکر سه دسته از شاهدان قیامت که در کتاب آمده است، می‌پردازیم.

۲ در سؤال دوم نیز برخی از وقایع عالم قیامت توضیح داده می‌شود.

(د) منابع

علاوه بر منابعی که در درس‌های مربوط به معاد آمده، از منابع زیر نیز می‌توان استفاده کرد :

۱ تجسم عمل و شفاعت، محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)

۲ موافق حشر، محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)

فرجام کار

درس ۸

الف اهداف

- ۱- هدف کلی: آشنایی با سرنوشت و سرانجام انسان در منزل آخرت و احساس نیاز به کسب آمادگی در آن روز
- ۲- اهداف آموزشی:
- شرح جایگاه نیکوکاران و گناهکاران براساس قرآن کریم و سنت
 - تبیین تناسب عمل با پاداش و کیفر در قیامت

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ پس از محکمه الهی، بهشتیان با جلال و کرامت به سوی بهشت برده می‌شوند.
- ۲ پس از محکمه الهی، جهنمیان با خواری به سوی جهنم رانده می‌شوند.
- ۳ بهشتیان در بهشت از نعمت‌های بی‌شماری بهره می‌برند که قرآن کریم از آنها خبر داده است.
- ۴ ما باید با استفاده از بشارت‌های قرآن، استعداد‌های درونی خود را برای رسیدن به نعمت‌های بهشتی شکوفا کنیم.
- ۵ جهنمیان به عذاب‌های گوناگونی در جهنم دچار می‌شوند؛ قرآن کریم از این عذاب‌ها خبر داده است.
- ۶ ما با توجه به انداز قرآن، باید بکوشیم خود را گرفتار عذاب الهی نکنیم.
- ۷ آنچه انسان به عنوان پاداش یا کیفر در روز جزا دریافت می‌کند، محصول کار اوست.
- ۸ پاداش و کیفر الهی در روز قیامت ظهور و بروز خود عمل انسان است.

ج) اجزای تدریس

این درس از قسمت‌های زیر تشکیل شده است:

- ۱- تبیین «جایگاه نیکوکاران»
- دبیر می‌تواند با استفاده از این بخش، نعمت‌های بهشتی را که در قرآن کریم یا در روایات آمده است، به دانش‌آموزان یادآوری کند؛ این یادآوری باید حالت تیشیری داشته باشد تا شوق و امید به کسب آن نعمت‌ها در دانش‌آموزان ایجاد کند. نعمت‌های بهشت متنوع‌اند و متناسب با وجود انسان، هم جنبه جسمانی

دارند و هم معنوی؛ پس، لازم است دانش‌آموزان را به انواع مختلف این نعمت‌ها و لذت‌ها متوجه سازیم.

۲- انجام فعالیت «تدبیر»

راستگویی و صداقت، انفاق چه در زمان توانگری و چه در زمان فقر، فروخوردن خشم، گذشت از خطای مردم، توبه کردن بدون تأخیر از گناهان و طلب آمرزش از خداوند، امانت‌داری، وفای به عهد، شهادت دادن درست و مواظبت بر اقامه نماز از جمله کارهایی است که می‌توانیم با انجام آنها در زمره بهشتیان باشیم.

۳- تبیین بخش «پاسخ سوالات شما»

یکی از سوالات دانش‌آموزان درباره بهشت این است که آیا زندگی جاوید در آنجا موجب خستگی و دل‌زدگی انسان نمی‌شود. این سؤال از آن جهت مطرح می‌شود که تکرار و تداوم بهترین لذت‌ها نیز، پس از مدتی انسان را خسته و دل‌زده می‌کنند. این بخش به پاسخ این پرسش پرداخته است.

۴- تبیین «جایگاه دوزخیان»

دبیر با استفاده از نمونه‌های ذکر شده و مثال‌های دیگری که خود از قرآن کریم یا احادیث استخراج کرده است، نمونه‌هایی از عذاب‌های جهنم را بیان می‌کند تا دانش‌آموزان با جایگاه جهنمیان و عاقبت کار آنان بیشتر آشنا شوند. لازم است دانش‌آموزان بدانند که این عذاب‌ها، یا در قرآن کریم آمده‌اند یا از احادیث معصومان علیهم‌السلام نقل شده‌اند و البته مهم این است که از ذکر نمونه‌ها و عذاب‌های غیر مستند و افسانه‌ای دوری کنیم و زبان تندی را مناسبی را برگزینیم.

برای اینکه دانش‌آموزان متوجه شوند که این‌گونه عذاب‌ها، ارتباط مستقیمی با گناهان انسان دارد و این عذاب‌های بزرگ، نتیجه گناهان بزرگ و محصول آنهاست نه چیزی اضافی؛ دبیر باید توجه دانش‌آموزان را در این مرحله به گناهان بزرگ اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی که در سطح دنیا اتفاق می‌افتد، جلب کند. دانش‌آموز به این وسیله متوجه می‌شود که این عذاب‌های بزرگ برای ارتکاب چند گناه بزرگ و کوچک توسط افراد معمولی نیست؛ بلکه بین عذاب‌ها و اعمال تناسب و هماهنگی برقرار است. البته توضیحات شما نباید به گونه‌ای باشد که گناهان فردی و کوچک، کم‌اهمیت جلوه کند؛ زیرا همین گناهان کوچک و به ظاهر کم‌اهمیت، به تدریج صفحه قلب انسان را مکدر می‌کنند و او را برای ارتکاب گناهان بزرگ، آماده می‌سازند.

۵- انجام فعالیت «تدبیر»

در این فعالیت دانش‌آموزان با تأمل در آیات قرآن زمینه‌ها و عوامل رفتن به سوی گناه را در خود بررسی می‌کنند تا ببینند در برابر چه موضوعی ضعف دارند. عواملی که در این آیات بدان‌ها اشاره شده عبارت‌اند از: ترک نماز، بی‌توجهی به فقرا و نیازمندان، همراهی با بدکاران در انجام گناه، تکذیب روز قیامت، به تأخیر انداختن توبه تا لحظه مرگ، مست و مغرور شدن به نعمات دنیوی و اصرار بر انجام گناهان بزرگ.

۶- تبیین «رابطه عمل و پاداش و کیفر»

دیر ارجمند، انواع رابطه‌های میان عمل و نتیجه آن را روی تابلوی کلاس به صورت جدول، نمایش می‌دهد و آنها را تشریح می‌کند. ابتدا دو نوع رابطه قراردادی و طبیعی را تبیین می‌کند و ویژگی‌های هر دو را توضیح می‌دهد و سپس به تشریح رابطه سوم می‌پردازد.

همان‌طور که می‌دانیم، در آخرت رابطه عمل با نتیجه آن، رابطه‌ای عینی است؛ یعنی، عین عمل انسان به صورت پاداش یا جزا درمی‌آید. این نوع رابطه در دنیا کمتر مصداق دارد؛ بنابراین، تصور آن برای ما مشکل است؛ اما چون آخرت، باطن دنیاست و رابطه دنیا و آخرت رابطه ظاهر و باطن است، ظهور و جلوه اعمال انسانی که در دنیا انجام شده است، در آخرت به صورت نعمت‌های بهشتی یا عذاب‌های جهنمی ظاهر می‌شود؛ برای مثال، غیبت در جهنم به صورت عذاب خاصی درمی‌آید یا راستی و صداقت در بهشت به صورت یک نعمت ظاهر می‌شود؛ به همین جهت در حدیث آمده است: «این همان اعمال شماست که به سوی شما بازگردانده شده است»^۱.

موضوع مهمی که به تبیین دقیق نیاز دارد، حقیقت نامه عمل و چگونگی ثبت و ظهور آن است. این موضوع، بحث عمده این درس است و باید به خوبی برای دانش‌آموزان روشن شود و آنان دریابند که نامه عمل، چیزی جز آنچه انسان در دنیا کسب کرده است، نیست. برای اطلاع بیشتر از کیفیت نامه عمل، خلاصه نظرات آیت الله جوادی آملی را تقدیم می‌کنیم.

آیت الله جوادی آملی در کتاب معاد در قرآن (جلد پنجم از تفسیر موضوعی قرآن کریم، صفحات ۴۷ تا ۹۶) بحث مبسوطی درباره تجسم اعمال کرده است که خلاصه بخشی از آن را در اینجا می‌آوریم.

«آیات تجسم اعمال بر چند دسته است:

اول: آیاتی که بر زنده و مشهود بودن عمل پس از مرگ، دلالت دارد؛ مانند: سوره کهف، آیات ۴۹ و ۷۸؛ سوره زلزله، آیات ۶ تا ۸؛ سوره آل عمران، آیه ۳۰ و سوره تکویر، آیه ۱۴.

دوم: آیاتی که دلالت دارد آنچه را انسان به عنوان خیر و کار نیک پیش می‌فرستد یا به عنوان شر و عمل قبیح انجام می‌دهد، همه را خواهد دید؛ مانند: آیه ۱۱۰ سوره بقره، آیه ۲۰ سوره مزمل و آیه ۴۰ سوره نبأ. سوم: آیاتی که دلالت دارد همه کردار و حتی پنهانی‌های اسرار و رموز انسان در قیامت آشکار می‌شوند؛ مانند: آیه ۲۸۴ سوره بقره، آیه ۱۶ سوره مؤمن، آیه ۵۴ سوره احزاب و آیه ۲۹ سوره آل عمران.

چهارم: آیاتی که دلالت دارد انسان در برابر کردار خویش به پاداش کامل خواهد رسید و آنچه کسب کرده است، به او کاملاً بازپرداخت خواهد شد؛ مانند: آیه ۲۸۱ سوره بقره، آیات ۲۵، ۱۶۱ و ۱۸۵ سوره آل عمران و آیه ۷۰ سوره زمر.

پنجم: آیاتی که دلالت دارد اعمال انسان آزموده می‌شود؛ چنان‌که محصول کشاورزی به وسیله چشیدن

آزموده می‌شود تا کمال یا رسیده بودن آن و نیز مزه‌اش معلوم شود؛ عمل انسان نیز در قیامت به آزمایش گذاشته می‌شود و انسان آن را می‌چشد تا بفهمد شیرین است یا تلخ؛ مانند: آیه ۳۰ سوره یونس.

ششم: آیاتی که دلالت دارد پاداش عین عمل و کردار انسان عین پاداش است؛ مانند: آیه ۹۰ سوره نمل، آیه ۳۹ سوره صافات، آیه ۱۶ سوره طور، آیه ۷ سوره تحریم، آیه ۸۴ سوره قصص، آیه ۴۰ سوره غافر و آیه ۱۴۷ سوره اعراف.

هفتم: آیاتی که بر چگونگی ارائه عمل انسان در قیامت دلالت دارد؛ مثلاً در برخی آیات، عمل انسان به صورت غل و زنجیر برگردن آدمی بیان شده است؛ مثل: آیه ۳۳ سوره سبأ. در دنیا نیز گاهی انسان حقایق باطنی و اخروی اشیا را در خواب که در چهره‌ای به ملکوت است، به صورتی مناسب می‌یابد؛ چنان‌که علم و دانش به صورت آب زلال و حکمت به صورت شر، تجلی می‌کند. خواب‌بیننده، با لوح محفوظ، لوح محو و اثبات، و کتاب مبین، ارتباط حضوری برقرار می‌سازد و از امور غیبی گذشته یا آینده مطلع می‌شود؛ چنان‌که حضرت یوسف فرمود: انی رأیت احد عشر کوباً و الشمس و القمر رأیتهم لی ساجدین؛ من در خواب یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم آنها برای من سجده می‌کنند. آن حضرت این حقیقت را در عالم مثال منفصل دید و آنگاه که به ظهور و تأویل رسید، گفت: یا ابت هذا تأویل رؤیای من قبل؛ ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من.

انسان که علم از عالم اندیشه و ذهن در خارج به صورت نوشتار، شکل می‌گیرد، یعنی نخست از ماده و صورت منزّه است و سپس، در قالب ماده و صورت نزول می‌یابد و این دو نحوه وجود در طول هم قرار دارند؛ در قوس صعود نیز کردار انسان، مانند غیبت به شکل نان‌خوردن سگ‌های جهنم نموده می‌شود؛ همچنین بردن حیثیت و آبروی مردم در دنیا و گزیدن و نیش زدن آنان با زبان در قیامت به صورت تیغ درمی‌آید: لیس لهم طعام آلا من ضریع * لایسمن و لا یغنی من جوع^۲. غذایی جز تیغ دوزخ بر آنان نیست. با این غذا، نه فربه شوند و نه سیر گردند.

گفتنی است چنان‌که قبلاً اشاره شد، در آستانه مرگ، عقاید و اخلاق و رفتار انسان تجسم می‌یابد و شکل می‌گیرد و آدمی آنها را ملاحظه می‌کند؛ از این رو، علامه بزرگوار مجلسی رحمته‌الله علیه می‌گوید:

شیخ بهایی (قدس الله روحه) می‌فرماید: همین کردار کنونی در لباس دیگری در قیامت ظهور می‌کند؛ زیرا، فالیوم لا تطلم نفس شیئاً و لا تجزون آلا ما کنتم تعملون^۳؛ چنان‌که در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: آنان که در ظروف طلا و نقره می‌آشامند، همانا در درویشان آتش جهنم می‌غرد؛ و فرمود: ستم، ظلمات روز

۱- سوره یوسف، آیه ۴.

۲- همان، آیه ۱۰۰.

۳- سوره غاشیه، آیات ۷-۶.

۴- سوره یس، آیه ۵۴.

قیامت است؛ و فرمود: بهشت صحرا است و نهال آن سبحان الله و بحمده، است... هشتم: آیاتی که دلالت دارد بر اینکه اعمال انسان دارای ظاهر و باطنی است؛ مثلاً خوردن مال مردم، آتش خوردن است و مصداق کامل آن خوردن مال یتیمان است؛ مانند: آیه ۱۰، سوره نساء. نهم: آیاتی که دلالت دارد بر اینکه وقتی ظلم که در حقیقت آتش است، در جان انسان ملکه می‌شود، خود انسان هیزم و مواد سوختی جهنم می‌شود؛ مانند: آیه ۱۵ سوره جن، آیه ۲۴ سوره بقره، آیه ۱۰ سوره آل عمران، آیه ۹۸ سوره انبیاء.

دهم: آیاتی که دلالت دارد در قیامت، قدرت عمل و کردار انسان به حدی قوی است که عامل را به صورت خود درمی‌آورد، نظیر آیه ۱۸ سوره نبا و احادیثی که در شرح آن آمده است.^۱

۷- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

این بخش در قالب یک مثال، تصویری از همراهان و رفیقان انسان را در این دنیا و تداوم دوستی آنان، با انسان پس از مرگ ارائه می‌دهد. این همراهان عبارت‌اند از جسم و تن انسان که انسان همواره به دنبال تغذیه مناسب و آراستگی آن است؛ خانواده انسان اعم از پدر، مادر، زن و فرزند و...؛ مال و ثروت و در نهایت اعمال و رفتار. در این داستان به خوبی نشان داده شده است که چگونه انسان زندگی خود را صرف بدن خود، خانواده خویش و جمع آوری مال و ثروت می‌کند؛ اما هنگام مرگ هیچ یک از آنها حاضر به همراهی انسان نیستند و تنها عمل انسان است که در قبر نیز ما را رها نمی‌کند. عملی که در دنیا بسیار به آن کم توجهی می‌کنیم.

۸- اندیشه و تحقیق

در بخش اندیشه و تحقیق، سه سؤال وجود دارد که دانش‌آموزان باید آنها را انجام دهند. ۱ در این سؤال، دانش‌آموزان باید این موضوع را بررسی کنند که آیا اصولاً در مجازات نوع سوم که همان عینیت یافتن عمل است، ظلم امکان‌پذیر است یا نه. می‌دانیم که در مجازات‌های قراردادی، امکان عدم مساوات و ظلم، وجود دارد؛ یعنی، ممکن است مجازاتی که برای یک گناهکار در نظر می‌گیرند، با گناه او تناسبی نداشته باشد؛ اما وقتی خود عمل به صورت مجازات، ظاهر می‌شود، ظلم معنا ندارد.

۲ دانش‌آموزان جدولی را به صورت زیر ترسیم می‌کنند و تفاوت‌های آخرت با دنیا و برزخ را در آن می‌نویسند.

ردیف	دنیا	برزخ	آخرت
۱	محل عمل است.	محل عمل نیست.	محل عمل نیست.
۲	پرونده عمل باز است.	پرونده عمل باز است.	پرونده عمل بسته است.
۳	فقط آثار دنیایی عمل ظهور دارد.	بهره‌ای از آثار اخروی عمل ظهور پیدا می‌کند.	آثار اخروی عمل به طور کامل ظاهر می‌شود.
۴	آگاهی‌های انسان محدود است.	آگاهی انسان به اعمال خود، بالا می‌رود.	سطح آگاهی انسان به اعمال خود بالا می‌رود و آنها را به طور حضوری می‌بیند.
۵	امکان تقلب و فریب‌کاری در محاکمه هست.	-	امکان فریب‌کاری در محاکمه نیست.
۶	برخی پاداش‌ها قراردادی است.	-	پاداش‌ها ظهور و تجسم خود عمل‌اند.

۳ این سؤال درباره حدیثی از رسول خدا ﷺ است. رسول خدا دنیا را به مزرعه تشبیه فرموده است. در این تمرین، شباهت‌های دنیا و آخرت که مربوط به این حدیث است، درخواست شده است. اگر دل را زمین مناسب برای کشت بدانیم، چه شرط‌هایی برای رسیدن به برداشت محصول خوب ضروری است؟

- ۱ بذر سالم، همان استعدادها و گرایش‌های پاک است.
- ۲ آبیاری و تغذیه مناسب، همان اعمال نیک است.
- ۳ پاک کردن زمین از خس و خاشاک و علف‌های هرز، همان پاک شدن از گناهان است.
- ۴ حفظ کردن از آسیب آفات و حیوانات، جلوگیری از وسوسه شیطان، نفس اماره و دوستان ناباب و عوامل تبلیغی دیگر است.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

- ۱ برخی از ویژگی‌های بهشت که در قرآن کریم و روایات آمده است:
- ۲ بهشت محل حزن و رنج نیست (سوره فاطر: آیات ۳۵-۳۳).

■ مؤمنان با سلامت و امنیت وارد بهشت می‌شوند (سوره حجر: آیات ۴۸-۴۵ و سوره نحل: آیات ۳۲-۳۰).

■ بهشت «دارالسلام» است و سلام یکی از نام‌های خداست (سوره انعام: آیه ۱۲۷ و سوره حشر: آیه ۲۳).
 ■ در دعا نیز آمده است «اللهم انت السّلام و منک السّلام و لک السّلام و الیک یعود السّلام». سلام بیان یک تعارف و گفتن درود نیست؛ بلکه سلام اسمی از اسماء خداست؛ بنابراین، خودش حقیقتی است، مانند: رحمت، علم و سایر حقایق که انسان می‌تواند به آن مرتبه، نائل شود (معادشناسی: ج ۱- ص ۱۰۷).
 ■ بهشت، هشت در دارد (امیرالمؤمنین علی علیه السلام، خصال شیخ صدوق - صص ۴۰۷ و ۴۰۸).
 ■ در بهشت بیهودگی و لغو نیست (سوره نبا: آیه ۳۵، سوره واقعه: آیه ۲۴ و سوره غاشیه: آیات ۱۰ و ۱۱).

■ بهشت، ویژه مؤمنی است که عمل صالح دارد (سوره بقره: آیه ۸۲، سوره زخرف: آیات ۷۳-۶۸، سوره مؤمن: آیه ۴۰ و سوره محمد: آیه ۴۷).
 برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های بهشت، به کتاب معادشناسی تألیف علامه محمدحسین حسینی طهرانی، جلد دهم مراجعه کنید.

۲ درباره جهنم و ویژگی‌های آن، آیات و روایات متعددی آمده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

■ جهنم، ریشه در تکبر انسان دارد و تکبر نیز از خصلت‌های اصلی شیطان است (سوره بقره: آیات ۳۴ و ۸۷، سوره اعراف: آیه ۳۶ و سوره غافر: آیه ۲۷)، در حالی که بزرگی و کبریا ویژه پروردگار متعال است (سوره حشر: آیه ۲۳ و سوره اسراء: آیه ۱۷).

■ مشرکان راهی جز جهنم ندارند (سوره حج: آیه ۳۱ و سوره بینه: آیه ۶).

■ بهشت قبل از جهنم خلق شده است؛ امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرمایند: خداوند بهشت را پیش از آتش آفرید؛ طاعت را پیش از معصیت، رحمت را پیش از غضب، خیر را پیش از شر، زمین را پیش از آسمان، زندگی را پیش از مرگ، خورشید را پیش از ماه و نور را پیش از تاریکی (روضه کافی، ص ۱۴۵).

■ دوزخ دارای درکات است و گفته‌اند که هشت طبقه دارد و پایین‌ترین آن جهنم است؛ طبقات بالای آن به ترتیب: لُطی، حُطَمَه، سَفَر، جَحیم، سَعیر و هاویه هستند (مجمع البیان، چاپ صیدا، ج ۳، ص ۳۳۸).

■ جهنم الآن موجود است (سوره توبه: آیه ۴۴ و سوره عنکبوت: آیه ۵۴).

■ چگونه زندگی کردن، مهم‌ترین سؤالی است که پاسخ درست به آن سبب می‌شود انسان به بهشت نائل شود و از عذاب رهایی یابد.

هـ) منابع

- ۱ علاوه بر منابع ذکر شده در درس‌های پیش، جلد دهم از مجموعه معادشناسی، تألیف علامه محمدحسین حسینی طهرانی توصیه می‌شود (معلم و دانش‌آموز)
- ۲ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱ (معلم و دانش‌آموز)
- ۳ مواقف حشر، استاد محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)
- ۴ بازگشت به هستی، استاد محمد شجاعی، کانون اندیشه جوان (معلم و دانش‌آموز)
- ۵ تجسم عمل و شفاعت، استاد محمد شجاعی، دانش و اندیشه معاصر (معلم و دانش‌آموز)
- ۶ آموزش عقاید، استاد محمدتقی مصباح‌یزدی، سازمان تبلیغات اسلامی (معلم)
- ۷ واژه‌نامه قرآن، مصطفی اسرار، انتشارات چوگان (معلم و دانش‌آموز). این کتاب که برای کمک به ترجمه است، در تمام درس‌ها کاربرد دارد.

الف) اهداف

۱- هدف کلی: تبیین جایگاه تصمیم‌گیری در برنامه زندگی برای رسیدن به هدف اصلی زندگی یعنی قرب الهی و تبیین توانایی نقش مراقبه و محاسبه در اجرای موفق عهد و پیمان

۲- اهداف آموزشی:

- شناخت حقیقت عزم و تبیین رابطه عزم با عهد و پیمان
- تلاش برای بستن عهدهای صحیح و تصمیم‌گیری‌های مناسب با برنامه دینی
- آشنایی با ضرورت مراقبت از پیمان‌ها و محاسبه نفس برای اجرای موفق پیمان‌ها
- توجه و انگیزه بیشتر برای داشتن مراقبه و محاسبه در زندگی

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ انسان‌های بزرگ و موفق، انسان‌های صاحب عزم بوده‌اند.
- ۲ انسان دین‌دار، برای رسیدن به رستگاری، با خداوند عهد می‌بندد.
- ۳ قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام مسلمانان را دعوت به مراقبت از پیمان‌ها و محاسبه نفس می‌کنند.
- ۴ شرط موفقیت در پیمان‌ها و اجرای درست آنها داشتن مراقبه و محاسبه در زندگی است.
- ۵ باقی بودن بر عهدهایی که انسان با خدا می‌بندد، شرط اصلی دین‌داری است.
- ۶ وجود الگو و اسوه ما را در حرکت در مسیر درست زندگی یاری می‌کند و بهترین الگوها معصومین هستند.

ج) اجزای تدریس

این درس دارای اجزای زیر است:

۱- تبیین بخش «تصمیم و عزم برای حرکت»

در این بخش نقش عزم و تصمیم برای انجام کارها بیان شده است. مفاهیمی همچون عزم، اراده، خواستن، تصمیم، میل و... همه به یک معناست و در این بخش نیازی به وارد شدن به تفاوت معنایی موارد فوق نیست. دانش‌آموز باید بداند تصمیم گرفتن برای انجام کارها نقش بسیار مهمی در به ثمر رسیدن کارها دارد. انسان موفق کسی است که تصمیم بگیرد و راه خود را انتخاب کند و برای این راه نیز برنامه‌ریزی کند.

در این بخش صرفاً به برنامه‌ریزی اشاره شده است و نیازی به بحث درباره مهارت‌ها و شیوه‌های برنامه‌ریزی نیست؛ چرا که دانش‌آموز قبل از این سال مطالب فراوانی درباره برنامه‌ریزی در کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی و ادبیات فارسی و مهارت‌های زندگی آموخته است. همچنین دانش‌آموز تاکنون با شخصیت‌های متعددی که دارای اراده قوی بوده‌اند و با تصمیم خود و طلب باری از خداوند کارهای بزرگی انجام داده‌اند، آشنا شده است؛ افرادی از قبیل پیامبران، امامان، دانشمندان بزرگ، شهدا و... بنابراین دبیر محترم می‌تواند از دانش خود دانش‌آموز برای تفهیم و تبیین مطلب استفاده کند.

یکی از نیازهای جدی امروز دانش‌آموزان، ارائه برنامه زندگی در چارچوب دین است. دبیرانی که انتظار دارند کتاب درسی به مسائل مورد نیاز دانش‌آموزان بپردازد، توجه دارند که این درس به یکی از مهم‌ترین نیازهای آنها می‌پردازد. نیازها فقط ذکر برخی از احکام، مانند احکام نماز، روزه، موسیقی و مانند آنها نیست. اگر ما بتوانیم دانش‌آموزان را برای برنامه‌ریزی بر مبنای دین تشویق کنیم و به سوی آن سوق دهیم، این کار سبب می‌شود که آنان جذب برنامه‌های غیردینی و سکولار که جایی برای احکام الهی نمی‌گذارند، نشوند. امروزه، دانش‌آموزان در هجوم انواع و اقسام برنامه‌ها تحت عناوین مختلفی چون، مهارت‌های زندگی، برنامه‌ریزی برای موفقیت و زندگی موفق هستند. این قبیل برنامه‌ریزی‌ها، با توجه به جذابیت‌های ظاهری و روش‌های عملی‌ای که دارند، نیازهای دانش‌آموزان را به صورت کاذب برآورده و توجه آنان را به دین به عنوان برنامه‌ای برای زندگی، کم می‌کنند.

نکته: دانش‌آموزان باید تصور بهتری از واجبات و محرمات به دست آورند که یکی از مسائل آنان این است: چرا دین این قدر به ما امر و نهی می‌کند؟ چرا ما را محدود می‌کند و مرتب به انسان می‌گوید: بکن یا نکن؟ چرا نهی‌های دین، زیاد است؟ می‌گوید این نوشیدنی را نخور، آن غذا را نخور، آن موسیقی را نشنو، آن لباس را نپوش و...؟

همین اشکالات باعث شده که برخی از دانش‌آموزان در مقابل کلماتی مانند «واجب» و «حرام» حساسیت داشته باشند. ما باید بتوانیم تصور آنها را از واجبات و محرمات اصلاح کنیم و به آنها یادآوری کنیم: اولاً، زندگی هرکس جدی‌ترین مسئله اوست؛ چرا که زندگی و حیات او، همه چیز اوست و اگر کسی جدی بودن آن را دریابد، خودش را دریافته و جدی نگرفته است. پیام قرآنی «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» خطاب به این‌گونه افراد است.

ثانیاً، هرکس زندگی را جدی بگیرد، باید برای آن برنامه داشته باشد. برنامه چیزی نیست جز مجموعه‌ای از باید‌ها (واجبات) و نبایدها (محرمات). می‌بینیم کسی که ورزش را جدی می‌گیرد، چه باید‌ها و نبایدهای سختی برای خود تنظیم می‌کند. کسی که مطالعه و درس خواندن را جدی می‌گیرد، چه برنامه‌ریزی دقیقی می‌کند. البته هرکس که ورزش و مطالعه را جدی نگیرد، به ثمرات و فایده‌های آنها هم نمی‌رسد و استعداد جسمانی و علمی خود را از دست می‌دهد و تلف می‌کند.

بایدها و نبایدهای دین دربارهٔ کل زندگی است. هرکس در زندگی جدی باشد و رسیدن به سعادت حقیقی برایش اهمیت داشته باشد، درمی‌یابد که چقدر بایدها و نبایدهای دین ساده و آسان و قابل عمل است. از دانش‌آموزان بخواهیم واجبات و محرمات دین را با کاری که یک فرد برای قبولی در آزمون سراسری و کسب رتبهٔ اول انجام می‌دهد، مقایسه کنند و نتیجهٔ این دو را نیز با هم مقایسه کنند و ببینند که فاصله‌ای به اندازهٔ بی‌نهایت میان آنهاست تا بهتر دریابند که تا چه اندازه واجبات و محرمات دین آسان است. ثالثاً، به دانش‌آموزان یادآوری می‌کنیم که واجبات و محرمات دین را نباید با زندگی انسان‌های سکولار مقایسه کنند. آنان اعتقادی به آن هدف بزرگ ندارند و هدف اصلی آنها لذت بردن از زندگی دنیایی و رسیدن به خوشی‌های این جهانی است. البته آنان با انتخاب همین زندگی، ضربه‌ای خطرناک به زندگی انسان زده‌اند و آسیب‌هایی به حیات اجتماعی همهٔ انسان‌ها وارد کرده‌اند؛ به طوری که جامعهٔ بشری را در معرض سقوط قرار داده‌اند.

۲- انجام فعالیت «مقایسه»

در این فعالیت، دانش‌آموزان، انسان‌های صاحب عزم را با انسان‌های فاقد عزم مقایسه می‌کنند. این مقایسه سبب می‌شود که خودشان ویژگی‌های مثبت را به انسان‌های صاحب عزم و ویژگی‌های منفی را به انسان‌های فاقد عزم نسبت دهند و در یک همانندسازی، بکوشند که خودشان نیز مصداق انسان‌های صاحب عزم باشند.

شایسته است تلاش کنیم که این فعالیت حتماً توسط دانش‌آموزان انجام شود و از طرف ما دیکته نگردد تا آن تأثیر مورد نظر به دست آید.

۳- تبیین بخش «عهد بستن با خداوند»

در این بخش یادآوری می‌شود که انسان با خداوند عهد می‌بندد و به هر مقدار که طرف عهد بزرگ باشد، خود عهد و میزان پایبندی به عهد بزرگ‌تر و مهم‌تر می‌شود.

بهترین کسی که می‌توان با او عهد بست، خداوند است، چرا که خداوند به‌عنوان طرف عهد در تمامی مراحل اجرای عهد یاریگر خواهد بود و به هر میزان که از او کمک بخواهیم، به ما کمک خواهد کرد. برخلاف عهدهای بشری که کاملاً مسئولیت اجرا با خود انسان است و طرف عهد فقط به وظایف خودش عمل می‌کند.

علاوه بر این ما با خداوند بر سر موضوعی عهد می‌بندیم که ضامن سعادت و موجب رستگاری ما می‌شود و در این فرایند خداوند سودی نمی‌برد و هیچ نیازی به سود بردن ندارد و صرفاً می‌خواهد ما رستگار شویم. جالب اینکه ما هر مقدار خود را پایبند و جدی در عهد خود نشان دهیم، خداوند به همان میزان ما را بیشتر یاری خواهد کرد. عهد اصلی‌ای هم که با خداوند وجود دارد بر سر عمل به واجبات و ترک محرمات است.

در این بخش دربارهٔ زمان و مکان عهد بستن سخن گفته شده است. بهتر است انسان در زمان‌ها یا مکان‌های خاصی با خداوند عهد ببندد؛ این تأکید از آن جهت است که انسان در این مکان‌ها و زمان‌ها تمرکز بیشتری دارد و در واقع ارتباط بهتری با خداوند برقرار می‌کند. خداوند همواره آگاه و ناظر بر اعمال ماست و برایش زمان و مکان خاص تفاوتی ندارد و بر همه چیز به یک میزان آگاهی دارد. تأکید بر این زمان‌ها و مکان‌ها برای ما انسان‌هاست که دچار غفلت می‌شویم. به همین دلیل حضور در برخی مکان‌ها از قبیل مسجد و مرقد مطهر ائمه و مکان‌های مقدس می‌تواند تمرکز ما را بیشتر کند و ارتباط ما را با خداوند قوی‌تر کند و به عبارتی ما بهتر متوجه عهد و پیمان خود باشیم. زمان نیز همین نقش را دارد. انسان بعد از نماز یا بعد از دعا یا قرآن خواندن، ارتباط بیشتری با خداوند برقرار می‌کند؛ بنابراین بهتر است در این مکان‌ها و زمان‌ها با خداوند عهد بسته شود.

چون انسان فراموش کار است، بهتر است عهد و پیمان خود را مکتوب کند و هر چند وقت یک بار به آن مراجعه کند و آن را مرور کند که چه عهدی با خداوند بسته است. این کار موجب می‌شود مرور زمان که آفت عهد و پیمان است، باعث کم‌رنگ شدن و یا از بین رفتن عهد و پیمان نشود.

۴- انجام فعالیت «تدبیر»

الف) با تأمل در ترجمهٔ آیات عواقب پیمان‌شکنی در برابر خدا عبارت است از:

۱ بی‌بهره ماندن از پاداش‌های اخروی

۲ سخن نگفتن خداوند با آنان

۳ نظر نکردن خداوند به آنان در قیامت

۴ پاک نشدن از گناهان

ب) هم‌چنین ثمرات عمل به عهد و پیمان الهی عبارتند از:

۱ دریافت پاداش عظیم الهی

۲ وفا کردن خداوند به پیمان‌های خود با انسان

۵- تبیین بخش «مراقبت»

برای آنکه بر عهد خود با خداوند ثابت قدم باشیم، باید هر روز عهد خود را مرور کنیم و اگر موانعی در مسیر عمل به عهد بود، آنها را برطرف کنیم. در کتاب عهد به نوزادی تشبیه شده است که برای به ثمر رسیدن نیاز به مراقبت و توجه ویژه دارد.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

فعالیتی با عنوان «بررسی» در اینجا آمده است که از دانش‌آموز می‌خواهد به موانع اجرای تصمیم اشاره کند. این بررسی توسط خود دانش‌آموزان و با همفکری گروهی انجام می‌شود. اگر دانش‌آموزان خودشان

به این موانع اشاره کنند، در این صورت موانعی که مربوط به سن خودشان است، بررسی شده است. این فعالیت می‌تواند مکمل دو بحث گذشته در تصمیم‌گیری و مراقبه باشد و دانش‌آموز درمی‌یابد که در این دو امر چه چیزهایی می‌تواند مانع از موفقیتش باشد.

۷- تبیین بخش «محاسبه و ارزیابی»

در این قسمت، دبیر دربارهٔ محاسبه و رابطهٔ آن با پیمان بستن و مراقبت از پیمان با دانش‌آموزان گفت‌وگو می‌کند و برای ملموس کردن موضوع، از مثال‌های مختلف استفاده می‌کند؛ مانند اینکه: مغازه‌داران و شرکت‌های تولیدی دارای ارزیابی و محاسبه هستند. پزشکان، بعد از عمل جراحی از مریض مراقبت می‌کنند و قبل از ترخیص او، وضعیت کلی بیمار را ارزیابی می‌کنند. از دانش‌آموزان نیز خواسته می‌شود تا نمونه‌های دیگری ذکر کنند.

در روایات موجود از پیامبر اکرم و ائمه علیهم‌السلام تأکید فراوانی بر محاسبهٔ نفس صورت گرفته است. در اینجا دو روایت آمده است، یکی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که تأکید بر محاسبهٔ نفس دارد و دیگری از امیرالمؤمنین علیه‌السلام که انسان محاسبه‌گر را انسان زیرک معرفی کرده است.

کاری که دقیقاً در محاسبهٔ نفس از انسان خواسته شده و بهتر است هر انسان زیرکی آن را انجام دهد، این است که با خودش خلوت کند و ببیند در طول شبانه‌روز چه کرده است و کدام کار مورد رضایت خداوند و کدام موجب خشم خداوند شده است؛ بابت هر کار حرام یا ناپسند از خداوند طلب مغفرت کند و بابت هر کار حلال و خیری که توفیق انجام آن را داشته است، خداوند را شکر کند. اگر کسی مداومت بر این کار داشته باشد، قطعاً موفقیت‌های بزرگی در زندگی خواهد داشت و دیگر هوای نفس و شیطان نمی‌تواند به سادگی بر او غلبه کند.

۸- تبیین فعالیت «تفکر در احادیث»

پیام حدیث اول: آثار محاسبه: آگاهی از عیوب و اصلاح آنها، بی‌بردن به گناهان و ترک آنها

پیام حدیث دوم: اثر محاسبه: اصلاح خود

پیام حدیث سوم: اثر محاسبه: خوشبختی

۹- تبیین بخش «پیامبر و اهل بیت ایشان، برترین اسوه‌ها»

داشتن الگو در کارها موجب می‌شود انسان با اطمینان و توان بیشتری اقدام به کار کند. این اصلی است که در همهٔ امور رعایت می‌شود. وقتی به دانش‌آموز نوشتن را می‌آموزند، معلم می‌نویسد و می‌گوید اینگونه بنویس. وقتی به هنرآموز هنری آموخته می‌شود یا وقتی به کارآموز کاری آموخته می‌شود و... به او نمونه‌ای از انجام کار نشان داده می‌شود تا با چشم خود ببیند که می‌شود این کار را انجام دهد، تا او نیز آن را انجام دهد.

وقتی ما در همه کارها داشتن الگو را یکی از ضروریات آموزش و اقدام می‌دانیم، چرا در موضوع هدایت که رستگاری دنیا و آخرت ما را به دنبال دارد، این کار را نکنیم؛ دین اسلام با توجه به اینکه داشتن الگو را یک اصل عقلانی می‌داند، در مسیر هدایت برای انسان الگوهای معرفی کرده است.

در بخش اول این متن در قالب پاسخ به یک سؤال، پیامبران و ائمه به عنوان الگوی تمامی انسان‌ها در مسیر رسیدن به سعادت معرفی شده‌اند. این الگوها با وجود اینکه قرن‌ها قبل از ما زندگی کرده‌اند؛ ولی سیره زندگیشان و نحوه بندگی آنان همواره برای تمامی انسان‌ها سرمشق است و فاصله زمانی نمی‌تواند مانع از الگوگیری از آنها باشد. بنابراین تمامی پیامبران الهی و ائمه علیهم‌السلام می‌توانند سرمشق ما در جهت رسیدن به خداوند باشند.

در این بخش داشتن برنامه زندگی نیز به عنوان یکی از کارهایی که بندگان صالح خداوند در زندگی خود به آن پایبندند، مطرح شده است. ما نمونه‌های متعددی داریم که ائمه علیهم‌السلام برای کارهای خود وقت مشخصی داشته‌اند و سعی می‌کردند در همان وقت کارهایشان را انجام دهند تا تأثیرگذاری‌اش بیشتر باشد و نظم بیشتری به زندگیشان داده شود.

گفتنی است که دانش‌آموز طی سال‌های گذشته با الگوهای مذکور و با ابعاد مختلفی از زندگی آنها آشنا شده است که این امر یادگیری این موضوع را بسیار تسهیل می‌کند.

در بخش دوم این متن، در قالب سؤال دیگری، شیوه زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان شده است و امام فرموده‌اند: «شما توانایی زندگی همانند زندگی من را ندارید؛ ولی می‌توانید به من کمک کنید». ایشان با معرفی چهار کار از مؤمنان طلب یاری می‌کند.

اصل این روایت از این قرار است

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَتَّقِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عَلَيْهِ الْأَوْ وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدِ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِفَرْضِيهِ الْأَوْ وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنَ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفْوَةٍ وَ سَدَادٍ

چهار کار مهمی که ایشان از مؤمنان می‌خواهد با انجام دادنشان امام را یاری کنند عبارت است از:

پرهیزکاری، کوشش، عفت، درستکاری

می‌توان گفت منظور حضرت از اینکه انسان مؤمن می‌تواند با انجام این کارها ایشان را یاری کند، این است که: «درست است که نمی‌توانید در حد من تقوا داشته باشید و مؤمن زندگی کنید، ولی اگر در حد خودتان بتوانید به این امور عمل کنید، در واقع به من کمک کرده‌اید.» در اثبات این موضوع که تعالیم دین اسلام برای تعالی تمامی انسان‌هاست و هر کسی می‌تواند به اندازه توان خود به آنها عمل کند و رشد نماید. بنابراین عمل ما در اثبات حقانیت مسیر امام و دین اوست و اینگونه انسان‌های بیشتری از دین اسلام و از

امام الگو می‌گیرند؛ چون اثر دین را در اطرافیان امام نیز می‌بینند و اطمینان خاطر بیشتری می‌یابند. اینگونه دیگر تصور نمی‌شود که این دین خاص علی علیه السلام است و کسی توانایی عمل به این دین را ندارد.

۱۰- تبیین بخش «دفتر برنامه‌ریزی»

در این بخش جدولی برای عمل به برنامه‌ریزی آمده است. دانش‌آموز می‌تواند در این بخش کارهای مهم خود را بنویسد و مراقبت خود را در آن ثبت کند و بر اساس آن به ارزیابی پایبندی‌اش به عهد خود بپردازد.

دانش‌آموز در این جدول می‌تواند عهدهای کلی و عهدهای خاص را یادداشت کند.

این جدول صرفاً یک پیشنهاد است و دانش‌آموزان می‌توانند با ابتکار خود جدول‌های خیلی بهتری طراحی کنند و مطابق زندگی و نیازهایشان تغییراتی در آن ایجاد کنند.

موضوع مهم این است که دانش‌آموز به هیچ وجه نباید در جدولی که در کتاب آمده چیزی بنویسد. چرا که این امر کاملاً شخصی و خصوصی است و امری است میان بنده و رب. این جدول درصدد ارائه الگو برای داشتن جدول برنامه‌ها و عهدهاست. بنابراین دانش‌آموز با طراحی از روی آن و ایجاد تغییر در آن جدول می‌تواند خود و کارهایش را به خوبی ارزیابی کند؛ بدون اینکه کسی از آن مطلع شود.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- توضیحاتی دربارهٔ مراقبه و محاسبه: موضوعات اصلی این درس، مراقبه و محاسبه است. علمای اخلاق و سلوک با استفاده از سیره معصومین علیهم السلام به این دو موضوع توجه کرده‌اند و بر ضرورت آن در برنامه زندگی بسیار پای فشرده‌اند.

مستند اصلی این دو موضوع، کتاب خدا و سیره معصومین علیهم السلام است. در متن درس به آیاتی از قرآن کریم و روایاتی از سیره معصومین علیهم السلام اشاره شده است. وقتی از محاسبه و مراقبه سخن می‌گوییم، سلوک عرفانی در ذهن تداعی می‌شود؛ اما باید توجه کنیم که این دو موضوع باید در هر برنامه‌ریزی ملحوظ شود و گرنه آن برنامه نتیجه نخواهد داد. کسی که درس می‌خواند یا کسب و کاری را انجام می‌دهد یا یک رشته ورزشی را دنبال می‌کند، اگر طالب موفقیت است، باید مراقبه و محاسبه انجام دهد.

مراقبت از برنامه و سنجش میزان عملکرد، لازمه هر برنامه است و سبب می‌شود که هم برنامه به خوبی پیش رود و هم عوامل تقویت و نقاط ضعف، مشخص گردند. راه زندگی نیز که راه کمال است، مانند هر برنامه دیگر به مراقبه و محاسبه نیاز دارد. لذا وقتی از این دو لفظ سخن به میان می‌آید، ضرورتاً بحث تخصصی عرفان مورد نظر نیست، گرچه برنامه و راه زندگی در مراتب عالی خود به سلوک معنوی منتهی می‌شود.

برهمن اساس، استاد شهید مطهری در کتاب «تعلیم و تربیت در اسلام» به ضرورت این دو موضوع اشاره کرده است و می‌گوید:

«مسأله دیگری که باید عرض بکنم، مسئله‌ای است که در تعلیم و تربیت‌های دینی و مذهبی وجود دارد و در تعلیم و تربیت‌های غیرمذهبی وجود ندارد و نمی‌تواند هم وجود داشته باشد. مطلبی را علمای اخلاق می‌گویند و عرفا فوق‌العاده روی آن تکیه دارند و در متون اسلامی توجه زیادی بدان شده است و آن، چیزی است به نام «مراقبه و محاسبه». در آموزش و پرورش‌های غیرمذهبی این‌گونه مفاهیم پیدا نمی‌شود. مراقبه و محاسبه، اصلاً مفهوم ندارد و طرح نمی‌شود؛ ولی در تعلیم و تربیت دینی، چون اساس، مسئله خدا و پرستش حق است، قطعاً این مسائل مطرح است. در قرآن کریم آیه‌ای داریم که من این آیه را شاید مکرر طرح کرده باشم؛ چون آن دوره‌ای که ما قم بودیم عالم بزرگی که اخلاق می‌گفت، یک مدتی روی این آیه تکیه کرده بود؛ و چون این آیه بیشتر به گوشمان خورده و بیشتر روی آن فکر کرده‌ام، گویی یک جلوه دیگری در ذهن من دارد. از آیات آخر سوره مبارکه حشر است؛ قبل از آن آیات توحیدی این آیه است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرُنَّ نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۳۷﴾ وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱. اینجاست که علمای اخلاق اسلامی با الهام از این آیه، مسئله‌ای را مطرح می‌کنند که می‌گویند ام‌المسائل اخلاق است؛ مادر همه مسائل اخلاقی است و آن «مراقبه» است. مراقبه یعنی با خود معامله یک شریکی را بکن که به او اطمینان نداری و همیشه باید مواظب باشی. مثل یک بازرسی که در اداره است. یعنی، خودت را به منزله یک اداره تلقی کن و خودت را به منزله بازرسی این اداره [تلقی نما] که تمام جزئیات را باید بازرسی و مراقبت کنی»^۲

■ مرحوم علامه حسینی تهرانی در معنای مراقبه و محاسبه می‌نویسد:

«مراقبه؛ و آن عبارت است از آنکه سالک در جمیع احوال مراقب و مواظب باشد تا از آنچه وظیفه اوست تخطی ننماید و از آنچه بر آن عازم شده، تخلف نکند.... محاسبه؛ و آن عبارت است از اینکه وقت معینی را در شبانه‌روز برای خود معین کند و در آن وقت به تمام کارهای شبانه‌روز خود رسیدگی بنماید و اشاره به آن است آنچه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده است که: لیس منا من لم یحاسب نفسه کل یوم مره»^۳.

۱- حشر، ۱۸ و ۱۹.

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، صص ۳۷-۳۷۵.

۳- رساله لب‌الباب، علامه سیدحسین حسینی تهرانی، ص ۱۱۳.

■ آیت‌الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی رحمته‌الله علیه می‌فرماید :

«باری، سالک راه خدا را بعد از توبه، لازم است از مشارطه و مراقبه و محاسبه. در اول صبح مشارطه با نفس نماید، مشارطه شریک و سهمیم در اعز و انفس سرمایه‌ها و در عرض روز تا وقت خواب مراقبت کامل و در وقت خواب محاسبه کامل از تمام آنچه در این مدت صرف کرده است؛ از وقتش و از قوای ظاهری و باطنی و آنچه از نعمت‌های الهی در آن صرف کرده یا مهمل گذاشته. همه اینها به قراری که علمای اخلاق نوشته‌اند، عمل نماید. تفصیل آن را موکول به کتب اخلاق که نوشته شده (واقعاً هم خوب نوشته‌اند) می‌نماید»^۱.

مراقبه از دیدگاه علامه طباطبائی

در بیشتر بدانیم صفحه ۸۸ نامه‌ای از مرحوم علامه آمده است که در جواب جوانی که درخواست دستورالعملی از ایشان کرده بود، نوشته است. در اینجا دو نامه مرحوم علامه و جوان که بین ایشان مبادله شده است، به صورت کامل می‌آید تا اهمیت و جایگاه موضوع به خوبی روشن شود.

نامه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محضر مبارک آیه الله العظمی جناب آقای طباطبائی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

کوتاه سخن آنکه جوانی هستم ۲۲ ساله، چنین تشخیص می‌دهم که تنها ممکن است شما باشید که به این سؤال من پاسخ دهید. در محیط و شرایطی که زندگی می‌کنم هوای نفس و آمال و آرزوها بر من تسلط فراوانی دارند و مرا اسیر خود ساخته‌اند و سبب آن شده‌اند که مرا از حرکت به سوی الله، و حرکت در مسیر استعداد خود بازداشته و می‌دارند.

درخواستی که از شما دارم برای من بفرمایید بدانم به چه اعمالی دست بزنم تا بر نفس مسلط شوم و این طلسم شوم را که همگان گرفتار آنند بشکنم و سعادت بر من حکومت کند؟

یادآور می‌شوم نصیحت نمی‌خواهم و الا دیگران ادعای ناصحیت فراوان دارند. دستورات عملی برای

پیروی لازم دارم...

باز هم خاطر نشان می‌سازم که نویسنده با خود فکر می‌کند که شفاهاً موفق به پاسخ این سؤال نمی‌شود. وانگهی شرم دارم که بیهوده وقت گرانبایه شما را بگیرم. لذا تقاضا دارم پدرانۀ چنانچه صلاح می‌دانید و بر این موضوع می‌توانید اصالتی قائل شوید مرا کمک کنید. در صورت منفی بودن، به فکر ناقص من لبخند زنید و مخفیانه نامه را پاره کنید و مرا نیز به حال خود واگذارید. متشکرم.

امضا ۱۳۵۵/۱۰/۲۳

جواب علامه به نامه اول جوان

این نامه در بیشتر بدانیم کتاب آمده است.

نامه دوم جوان

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مقدس حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای علامه محمد حسین طباطبایی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

خداوند ان شاء الله خیر دنیا و آخرت عطایت فرماید و با اولیا و انبیا محشورت سازد.

برادر عزیز! فراوان احساس کمبودی می‌کنم. هرچه دست و پا می‌زنم و تلاش می‌کنم و به هر جهت می‌نگرم دریا در نظرم وسیع تر جلوه می‌کند. ندانم در چه مسیری روی گردانم. کدام سفینه را سوار شوم تا به ساحل خوشبختی برسم؟ از شما برادر عزیز استمداد می‌طلبم. نمی‌دانم مرا چه می‌شود. مدتی است خود را چنان بینم که بر آسمان افکارم ابرهای سنگین و تیره و تار برآمده و عالم مرا غمناک ساخته‌اند حتی غرضی نیست تا بیارد و آسمانی صاف بینم. عامل این تیرگی چیست؛ نمی‌دانم.

در لابه‌لای این حالات فکر می‌کنم اگر سؤال مرا در این موضوع پاسخ گوید، راحت شوم.

برادر عزیز! با روشن بینی خود و حقیقت‌خواهی خود اگر بتوانید حالت مرا درک کنید و آن چنان جوابم گوید که ناخودآگاه جرقه‌ای در من به وجود آید که تا ابد (مرگ) روشن باشم. آیا می‌توانید راهنمایی کنید تا ۱- عاشق خدا شوم. ۲- عاشق پیامبر شوم. ۳- عاشق اولیای خدا شوم. راه چیست و چاره کدام؟ اگر راز عشق، مرا آموزید و معشوق را به نیکی برایم شناسانی ولو بروی خود می‌روم. اگر حالت عشق در من بتوانی سازی و دستم گرفته به کوی عشق رهبری نمایید و با اشاره معشوق را بنمایی دوان دوان می‌روم حتی لحظه‌ای آرام نمی‌گیرم. اما چه کنم جاهلم و عاشق نیستم.

استاد عزیز، از قرآن جز خواندن (بدون تعارف) چیزی نمی‌دانم. با سخنان معصومین تقریباً بیگانه‌ام. چگونه و به چه اندازه بر آنها وارد شوم و چگونه استفاده کنم؟ صبر کنم تا رشد علمی بیابم و یا به موازات تحصیل... طریق استفاده را نیز بیان فرماید.

جواب علامه به نامه دوم جوان

به عرض شریف می‌رساند نامه شریف دوم زیارت شد. قبلاً نیز یک نامه دیگری رسیده بود که تاکنون پاسخ آن نوشته نشده. اصولاً در زمستان گذشته در اثر کسالت مزاج و ناراحتی اعصاب نه تنها نامه جناب عالی بلکه نامه‌های زیاد دیگری که در این مدت رسیده تا امروزها برای هیچ کدام توانسته‌ام جواب بنویسم. امروزها که

کمی حالم رو به بهبودی است، تدریجاً جواب می‌فرستم. به هر حال عذر گذشته را می‌خواهم. عرض کنم روشی که برای ما در همه حال و همه شرایط در حد ضرورت است روش بندگی و به عبارت دیگر روش خداشناسی است و راه آن طبق آنچه از کتاب و سنت برمی‌آید، همانا یاد خدا و امثال تکالیف عملی است. یعنی همان مراقبه و محاسبه است که در نامه اولی خدمتتان عرض شد. فعلاً به این ترتیب که هر صبح که از خواب بیدار می‌شوید تصمیم بگیرید که خدا را فراموش نخواهید کرد. آنگاه به طور استمرار خود را در برابر خدا تصور کنید و شب و وقت خواب به حساب کارهای روز بپردازید. اگر غفلتی شده استغفار و توبیخ نفس، و اگر نشده حمدی به خدا بکنید و ضمناً برای تقویت ذکر تا چهل روز، روزی هزار مرتبه طرف صبح با توجه تام کلمه طیبه لا اله الا الله بگویید. حال بندگی که از این روش به دست می‌آید، الگو و مقیاس همه حالات زندگی است.

والسلام علیکم

محمد حسین طباطبایی^۱

هـ) منابع

- ۱ آنچه یک جوان باید بداند، رضا فرهادیان، دفتر تبلیغات اسلامی (دانش آموز)
- ۲ پرواز تابی نهایت، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش (دانش آموز)
- ۳ تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری
- ۴ جوان و پرسش‌های عرفانی، محمدرضا متقیان، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (دانش آموز)
- ۵ خاک‌های نرم کوشک، سعید عاکف، نشر ملک اعظم (دانش آموز)
- ۶ دغدغه‌های جوانی، محمدرضا شرفی، انتشارات امیرکبیر (دانش آموز و معلم)
- ۷ رساله لب اللباب، علامه حسینی تهرانی رحمته الله علیه، حکمت (معلم)
- ۸ رستاخیزی در تاریکی، سوسن صفارودی، نشر بهینه (دانش آموز)
- ۹ رمز موفقیت علامه طباطبائی، حمید نگارش، انتشارات امام عصر (دانش آموز)
- ۱۰ مجموعه «چهره‌های درخشان»، جمعی از نویسندگان، انتشارات مدرسه (دانش آموز)
- ۱۱ مجموعه «نیمه پنهان ماه»، جمعی از نویسندگان، روایت فتح (دانش آموز)
- ۱۲ نامه‌های فهیمه، فهیمه بابایان‌پور، انتشارات سوره مهر (دانش آموز)
- ۱۳ نه آبی نه خاکی، علی مؤذنی، انتشارات سوره مهر (دانش آموز)

الف) اهداف

۱- هدف کلی: توجه به نقش توکل و اعتماد به خدا در تقویت عهدها و پیمانها و تسریع در حرکت به

سوی خدا

۲- اهداف آموزشی:

- آشنایی با معنا و جایگاه توکل در قرآن
- توانایی تشخیص توکل از خطر کردن (ریسک)
- پاسخ به این پرسش که: چرا فقط باید به خدا توکل کرد.

ب) محورهای اصلی درس

۱ پس از تفکر دربارهٔ معاد و عاقبت انسان و گرفتن تصمیم برای حرکت در مسیر الهی لازم است با توکل بر خدا حرکت خود را آغاز کنیم و پیمان خود را با خدا تجدید کنیم و مصمم‌تر در راه سعادت گام برداریم.

۲ حقیقت توکل عبارت است از اینکه در عین اینکه وظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دهیم؛ اما نتیجه کار را به خدا می‌سپاریم.

۳ انسان متوکل مطمئن است هر نتیجه‌ای به دست آید به مصلحت اوست. زیرا کار را به خدا سپرده و یقین دارد خداوند آینده‌ای را می‌داند که او نمی‌داند و به مصلحت‌هایی آگاه است که او آگاه نیست.

۴ ملاک توکل به خدا و اعتماد به او، توانایی خداوند در برآوردن حاجات، دانایی او به عوامل سعادت ما و قدرت مطلق خدا برای اجرای هر کاری است.

۵ توکل شرایطی دارد: اول آنکه توکل زبانی بی‌فایده است و انسان باید با تمام وجود کارهایش را به خدا بسپارد و دوم آنکه توکل جانشین تنبلی نیست و فرد باید با همت فراوان وظایف خود را انجام دهد و مشورت‌های لازم را بکند و کار خویش را به خدا بسپارد.

۶ هر قدر تصمیم‌ها و پیمان‌های انسان، بزرگ‌تر باشد، اعتماد بیشتر به خدا و توکل بیشتر به او مورد نیاز است و چون جوانی دوران تصمیمات بزرگ است، از این‌رو نیاز به توکل در این دوران بیشتر است.

۷ توکل، با خطر کردن تفاوت دارد. توکل، نشانهٔ شجاعت و خطر کردن نشانهٔ تهوّر است که صفت خوبی نیست.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است:

۱- تبیین «حقیقت توکل بر خدا»

دبیر محترم، ابتدا توکل را معنا می‌کند و نقش آن را در تصمیم‌گیری‌ها توضیح می‌دهد. نکته مهم در این بخش این است که علت توکل انسان به خداوند و اعتماد به او، توانایی خداوند در برآوردن حاجات، دانایی او به عوامل سعادت ما و قدرت مطلق خدا برای اجرای هر کاری است. این قدرت و آگاهی خدا به مصالح ما در آیه سوم سوره طلاق و آیه ۲۱۶ سوره بقره مورد تأکید قرار گرفته است که در درس نیز به آن اشاره شده است. بنابراین، ما انسان‌ها که به دلیل علم اندک خود آگاهی لازم را به همه مصالح خود نداریم و از پایان کار خود آگاه نیستیم، در انجام کارهای خود به خدای عالم و قادر توکل می‌کنیم و از او می‌خواهیم آنچه خیر ما در آن است، برای ما رقم زند.

۲- انجام فعالیت «تدبّر»

هدف این فعالیت این است که دانش‌آموز با تدبّر در آیه موردنظر به این نکته پی ببرد که تمام قدرت‌ها در اختیار خداست و تنها اوست که می‌تواند بدی را از ما دور کند و تنها اوست که نعمت‌ها را به ما می‌رساند و هیچ مانعی در مقابل او نیست. بنابراین علت اختصاص توکل به خداوند این است که کسی قدرت ایستادگی در برابر اراده خدا را ندارد، کسی نمی‌تواند در کار خدا دخالت کند و بازدارنده رحمت یا دورکننده گزند باشد.

۳- تبیین «شرایط توکل حقیقی»

در این قسمت دو شرط توکل حقیقی بیان شده است. شرط اول با توجه به این نکته ذکر شده است که برخی افراد گمان می‌کنند همین که گفته شود: «توکل بر خدا»، کافی است و از این‌رو در انجام هر کاری می‌گویند: «توکل بر خدا»؛ اما در قلب خود به افراد دیگری در موفقیت کار خود دل بسته‌اند. از این‌رو این نکته توجه داده شده است که توکل حقیقی، یعنی در قلب خود نیز باور داشته باشیم که تنها خدا چاره‌ساز است و دیگران سبب و وسیله‌هایی هستند که خدا در پیش راه ما قرار می‌دهد و اگر خدا نخواهد هیچ کس هیچ کاری نمی‌تواند برای ما انجام دهد.

شرط دیگر، رابطه میان توکل و احساس مسئولیت است. توکل، جانشین تنبلی و ندانم‌کاری نیست و برای کسی است که با فکر و تدبیر، مسئولیت خود را شناخته و قدم در راه انجام دادن آن گذاشته است. نمونه برجسته انسان‌های متوکل، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند که همواره در انجام دادن مسئولیت‌های خود، کوشا بوده‌اند.

جامعه و نظام اسلامی ما نیازمند همت‌های بلند، تصمیم‌های بزرگ و به تبع آن، انسان‌های متوکلی است که

با عزم راسخ وارد زندگی اجتماعی شوند و کشتی امت اسلامی را در میان توفان‌های سهمگین به پیش ببرند و عقب‌ماندگی‌های چند صدساله را جبران کنند و زمینه‌ساز تمدنی شوند که ان‌شاءالله به دست امام عصر علیه السلام برپا خواهد شد و عدالت جهانی را پدید خواهد آورد. ما معلمان به اندازه‌ی توان خود باید دانش‌آموزان را انسان‌هایی مصمم و متوکل تربیت کنیم و آنها را از تنبلی و دون‌همتی دور سازیم. از این‌رو، ضروری است که این قبیل نکات را در لابه‌لای تدریس خود بگنجانیم و توجه دانش‌آموزان را به آنها جلب کنیم.

۴- انجام «فعالیت کلاسی»

عمل چنین فردی درست نیست. توکل در جایی صحیح است که انسان وظیفه‌ی خود را به‌درستی انجام دهد و از ابزارها و راه‌هایی که برای حمایت از جان و مال وجود دارد، استفاده کند و درنهایت نتیجه کار را به خدا بسپارد.

۵- تبیین بخش «تصمیم و توکل»

لازم است که دبیر بر دوره‌های نوجوانی و جوانی به عنوان دوران تصمیم‌های مهم و سرنوشت‌ساز تأکید کند و با ذکر نمونه‌های عینی و شواهد مختلف، نشان دهد که چگونه انسان‌های بزرگ توانسته‌اند با تصمیم‌گیری‌های درست در دوره‌ی نوجوانی و جوانی، به مقام‌های بزرگی برسند. آنان که راه به جایی برده‌اند، معمولاً کسانی بوده‌اند که در نوجوانی و جوانی، بهترین تصمیم‌ها را گرفته و از انرژی متراکم این دوران به نحو مطلوب استفاده کرده‌اند. در مواردی نیز، برخی در سنین بالاتر کارهای بزرگی کرده‌اند، اما این موارد استثنا بوده‌اند.

پس از تشویق کردن دانش‌آموزان به گرفتن تصمیم‌های مهم در زندگی، لازم است دبیر نیاز بیشتر نوجوانان و جوانان به توکل را نیز تبیین کند.

۶- انجام «فعالیت کلاسی»

اصطلاح خطر کردن معمولاً در جایی به کار می‌رود که شخص عملی را انجام می‌دهد یا راهی را می‌رود که با خطرات احتمالی آن آشنایی چندانی ندارد و بی‌احتیاطی پیش می‌گیرد. براساس علم اخلاق، شجاعت یک فضیلت اخلاقی است که حد وسط میان ترس (جبن) و بی‌باکی (تهور) است. برخی افراد نمی‌توانند تصمیم‌های بزرگ بگیرند که این موضوع ناشی از ترس آنهاست. برخی افراد هم بدون محاسبه تصمیم‌های بزرگ می‌گیرند که نشان‌دهنده‌ی تهور آنان است. کار این گروه را خطر کردن یا ریسک می‌گویند؛ اما آنان که با محاسبه و مشورت و تعقل تصمیم بزرگ می‌گیرند، اهل شجاعت‌اند.

بنابراین افراد اهل توکل کسانی‌اند که با محاسبه و تعقل و مشورت تصمیم می‌گیرند و کار خود را با توکل بر خدا شروع می‌کنند؛ اما افراد اهل خطر بدون هیچ محاسبه و مشورتی قدم در راه می‌گذارند.

۷- اندیشه و تحقیق

۱ دانش‌آموزان به آیات و متن درس مراجعه می‌کنند تا فواید توکل را پیدا کنند، فوایدی مثل تقویت عزم، تجدید محکم‌تر پیمان، ورود محکم‌تر و استوارتر در کارهای بزرگ، افزایش شجاعت، قدرت تحمل و صبر بیشتر، از دست ندادن آرمان‌ها، خسته نشدن در بین راه، دوری از تنبلی و...

۲ این سؤال، برای رفع یک بدفهمی است و آن، اینکه برخی توکل را بهانه‌ای برای توجیه تنبلی خود قرار می‌دهند. فرد متوکل، تمام تلاش خود را برای رسیدن به مقصود انجام می‌دهد و از ابزار و اسبابی که خداوند در جهان قرار داده استفاده می‌کند، و سپس نتیجه کار خود را به خدا می‌سپارد، بنابراین، توکل نیاز به پشتوانه‌ای به نام کار و تلاش دارد.

۳ سؤال سوم، برای آن است که دانش‌آموزان، شرایط توکل درست را بیان کنند. در کتاب به دو مورد از توکل درست اشاره شده است.

۸- پیشنهاد

فعالیت اول، یک کار تحقیقی ساده است که درباره یکی از داستان‌های مثنوی انجام می‌گیرد. این تحقیق سبب آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با ادبیات ایران و آثار مولوی می‌شود. دانش‌آموزان می‌توانند با مطالعه این داستان، آن را در کلاس برای دیگران بازگو کنند یا در قالب یک نمایش‌نامه به اجرا درآورند. داستان یاد شده در دفتر اول مثنوی با عنوان قصه نخجیران و بیان توکل و ترک جهد کردن، آمده است و موضوع آن، این است که عده‌ای شکارچی در شکارگاهی که در آنجا شیری سکونت داشت، شکار می‌کردند. این شیر به شکار آنها حمله می‌کرد و آن را می‌خورد. آنها به شیر گفتند: اگر به شکار ما حمله نکنی، ما غذای تو را تأمین می‌کنیم. شیر گفت: من بی‌وفایی‌های بسیار دیده‌ام و نمی‌توانم به عهد شما اطمینان داشته باشم. آنها گفتند: به قضا و قدر الهی دلخوش باش و به خدا توکل کن. شیر گفت: همان کسی که توکل را به مردم آموزش داده است، یعنی همان پیامبر از ما خواسته است که جدّ و جهد و تلاش کنیم؛ و بدین ترتیب داستان ادامه می‌یابد. در اینجا، چند بیت از این شعر را که به توکل مربوط می‌شود، از زبان شیر می‌آوریم:

گفت آری گر توکل رهبر است	این سبب هم سنت پیغمبر است
گفت پیغمبر به آواز بلند	با توکل زانوی اشتر بیند
رمز الکاسب حبیب الله شنو	از توکل در سبب کاهل مشو
رو توکل کن تو با کسب، ای عمو	جهد می‌کن کسب می‌کن مو به مو
جهد کن، جدی نما تا وارهی	ور تو از جهدش بمانی، ابلهی

فعالیت دوم، مراجعه به آیه ۹۹ سوره نحل نشان می‌دهد شیطان بر چه کسانی مسلط نمی‌شود.

(د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- ملاک و مبنای توکل: همان‌طور که مرحوم ملا مهدی نراقی در کتاب «جامع السعادات» توضیح داده است، توکل بر این پایه استوار است که جز خدا مؤثری در وجود نیست (لا مؤثر فی الوجود الا الله) و این یکی از مراتب توحید است. در حقیقت، انسان موحد می‌تواند انسان متوکل باشد. کار شیطان این است که انسان را از توحید خارج کند و به شرک بکشاند. انسان باید بکوشد از این حقیقت که مؤثری جز خدا در عالم نیست، آگاه شود و قلبش نیز به این حقیقت ایمان آورد. اگر این‌گونه شد، حالت توکل در انسان پدید می‌آید و شک نمی‌کند که همه مخلوقات از آفتاب، ماه، ستارگان، ابر، باران، حیوان و انسان در قبضه قدرت الهی‌اند. چنان‌که خدای تعالی خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ هنگامی که تیر انداختی تو نینداختی، بلکه خدا انداخت (سوره انفال، آیه ۱۷).

۲- داستان بستن زانوی شتر: این داستان در کتاب «داستان راستان»، به نقل از کتاب «کحل البصر» تألیف محدث قمی، این‌گونه آمده است: «پیامبر اکرم ﷺ همراه با اصحاب به سرزمینی می‌رفتند. بعد از مدتی راه‌پیمایی، در منزلی برای نماز توقف کردند. رسول اکرم ﷺ بعد از پیاده شدن از شتر به طرف آب رفتند، ولی بعد از مدت کوتاهی به سوی مرکب خویش بازگشتند. اصحاب تعجب کردند و با خود گفتند: آیا پیامبر اینجا را برای فرود آمدن نپسندیده‌اند و می‌خواهند فرمان حرکت دهند؟ اما دیدند وقتی که ایشان به شتر خویش رسیدند، زانو بند را برداشتند و زانوی شتر را بستند و بار دیگر به سوی آب روان شدند. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، چرا از ما نخواستی که این کار را انجام دهیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: هرگز از دیگران در کارهای خود کمک نخواهید و به دیگران اتکا نکنید؛ اگر چه برای یک قطعه چوب مسواک باشد. از این داستان دو نکته به دست می‌آید: نخست اینکه رسول خدا ﷺ در عین توکل و اعتماد به خداوند، شتر را آزاد در بیابان رها نکرد، بلکه برگشت و زانوی آن را بست تا کار خود را به نحو درست انجام داده باشد. دوم اینکه به دیگران آموزش داد که هر کس باید کار شخصی‌اش را خود انجام دهد و آن را برعهده دیگران قرار ندهد.

۳- چند حدیث درباره توکل: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يَغْلِبْ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَم»؛ کسی که بر خدا توکل کند، مغلوب نمی‌شود و کسی که به خدا پناه آورد، شکست نمی‌خورد (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۱). امام علی علیه السلام فرمود: «أَقْوَى النَّاسِ إِيمَانًا أَكْثَرُهُمْ تَوَكُّلاً عَلَى اللَّهِ سَبْحَانَهُ»؛ قوی‌ترین مردم در ایمان کسانی هستند که بیشتر بر خداوند توکل می‌کنند (غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۳۸۵). امام همچنین فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ کسی که دوست دارد قوی‌ترین

مردم باشد، باید بر خداوند توکل کند (تحف العقول، ص ۲).
و نیز فرمود: وقتی نمرودیان حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش افکندند، جبرئیل نزد وی آمد و گفت:
خواسته‌ای داری که برآورده کنم؟
ابراهیم علیه السلام فرمود: از تونه، خدا مرا بس است و او بهترین و کیل است.
میکائیل آمد و گفت: خزانه‌های آب و باران به دست من است. اگر می‌خواهی آتش را خاموش می‌کنم.
ابراهیم علیه السلام فرمود: نه.
جبرئیل گفت: پس از خدا بخواه.
ابراهیم علیه السلام فرمود: همین قدر که می‌داند من در چه حالی هستم، کافی است (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۵).

هـ) منابع

- ۱ علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، مولی مهدی نراقی، ترجمه دکتر مجتبوی، انتشارات حکمت (برای معلم)
- ۲ تصمیم‌های بزرگ اخلاقی، محمدباقر پورامینی، کانون اندیشه جوان (برای دانش‌آموز)
- ۳ جوان، محمدجواد رودگر، کانون اندیشه جوان (برای دانش‌آموز)
- ۴ راهیان کوی دوست، استاد محمدتقی مصباح‌زادی، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه (برای معلم)

دوستی با خدا

درس ۱۱

الف) اهداف

۱- هدف کلی :

شناخت آثار محبت و ورزیدن به خدا و تلاش برای تقویت رابطه محبت‌آمیز با او

۲- اهداف آموزشی :

- نقش محبت و عشق در تصمیم‌گیری‌ها و کارهای انسان
- توجه به اینکه محبت به خداوند تضمین‌کننده راه رستگاری انسان در دنیا و آخرت است
- تقویت رابطه دوستی انسان با خدا
- تبیین راه‌های افزایش محبت به خداوند
- تبیین دوستی با دوستان خداوند
- شناخت رابطه تقابلی دوستی با خدا و دوری از دشمنان خدا

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ محبت نیروی محرکه انسان برای بسیاری از تصمیم‌ها و کارهاست و جهت‌دهنده فعالیت‌های انسان است.
- ۲ ارزش انسان بستگی به چیزهایی دارد که دوست دارد.
- ۳ محبت و دوستی، انسان را از خمودی درمی‌آورد و به پویایی و تحرک می‌رساند.
- ۴ محبت به خداوند، باعث ایجاد محبت به دوستان خدا نیز می‌شود.
- ۵ محبت به خداوند، سبب پیروی و اطاعت از او می‌شود.
- ۶ محبت به خداوند، سبب بیزاری و تنفر از دشمنان خدا می‌شود.
- ۷ محبت به خداوند، سبب شکل‌گیری روحیه مبارزه با باطل در انسان می‌شود.

ج) اجزای تدریس

۱- تبیین بخش «نقش محبت»

دیر، در ابتدا این سؤال را مطرح می‌کند که چرا امام سجاده علیه السلام محبت الهی را آرمان دل مشتاقان و

نهایت آرزوی عاشقان می‌داند. منظور امام از عاشق کیست؟

برای ریشه‌یابی این مسئله، لازم است ابتدا نقش محبت و کارکرد آن را در وجود انسان بررسی کنیم تا به پاسخ این سؤال برسیم.

در کتاب پیام‌های آسمانی پایه نهم در درس مربوط به ایمان، آمده است که انسان دارای دو کانون «عقل» و «قلب» است و گفته شد که قلب هر جا برود، اعمال و رفتار انسان هم به همان سمت کشیده می‌شود. در واقع، قلب جهت‌دهنده به فعالیت‌ها و کارهای انسان است.

نکته مهم آن است که اگر قلب به چیزی محبت بورزد که عقل آن را پسندیده می‌داند، این محبت به جاست؛ اما اگر قلب چیزی را محبوب خود قرار دهد که عقل آن را تأیید نمی‌کند، این محبت ناپسند و زیان‌آور است. سخن امیرالمؤمنین علیه السلام (در بخش چقدر می‌ارزیم) که ارزش انسان را چیزی می‌داند که آن را دوست دارد، معیار عشق و محبت را مشخص ساخته است؛ هر کس هر چیزی را محبوب خود قرار دهد، به همان میزان می‌ارزد. کسی که به «مقام» عشق می‌ورزد، به اندازه همان مقام ارزش دارد. کسی که به «ثروت» عشق می‌ورزد، به همان اندازه ارزش دارد و... ولی کسی که خداوند را محبوب خود قرار دهد و همه کارهایش را برای او انجام دهد، قدر و ارزشش قابل اندازه‌گیری نیست.

در این بخش استفاده از مناجات‌ها و دعاهایی که نشانه‌های عشق و محبت معصومان علیهم السلام به خداوند است و نیز خواندن اشعار مناسب، برای ملموس کردن عشق به خداوند و تأثیرگذاری بر قلب دانش‌آموزان، مؤثر است.

۲- انجام «فعالیت کلاسی»

با توجه به مطالبی که تا این قسمت آمد، بهتر است این موضوع به بحث گذاشته شود و هر کسی نظرش را درباره آن بدهد. با توجه به اینکه محبت ورزیدن به چیزی باعث می‌شود که انسان همه هم و غم خود را صرف محبوب خود کند و همه زندگی خود را صرف رسیدن به محبوب خود سازد تا جایی که گویی با محبوب خود یکی شده است؛ بنابراین در روز قیامت با چیزی محشور می‌شود که با او یکی شده است. در واقع یک وجود شده‌اند که در دو قالب قرار دارند. کسی که به ثروت عشق می‌ورزد، آن قدر زندگی خود را غرق در این کار می‌کند که فکر و ذکری جز ثروت ندارد، بنابراین او عین مادیات و پول شده است و در روز قیامت نیز با همان ثروت مادی محشور خواهد شد که البته بسیار خالی خواهد بود؛ چون ثروت مادی این دنیا در آن عالم به هیچ کاری نخواهد آمد. برای این مورد مثال‌های فراوانی می‌توان زد، از قبیل محبوب و الگو قرار دادن یک انسان غیررشد یافته که خود گرفتار بسیاری از گناهان است.

۳- تبیین بخش «محبت به خدا»

در این بخش توضیح داده می‌شود که محبت تا چه حد می‌تواند زندگی انسان را متحول کند. به همین دلیل برای اینکه انسان به رشد شایسته اش برسد، باید عاشق شود. برای عاشق شدن هم هیچ چیزی به اندازه

خداوند ارزش ندارد؛ بنابراین عاقلانه است که انسان عاشق بهترین شود که آن خداوند است (اشاره به روایت امیرالمؤمنین علیه السلام). آیه ۱۶۵ سوره بقره نیز برای تکمیل این بحث آمده است که فقط عاشق خداوند عاشق واقعی است. البته در اینجا باید به این نکته توجه داشت که عشق به خدا، عشق و محبت به انسان‌ها را نیز به دنبال خود خواهد آورد. چون خداوند خود دستور داده است که به پدر و مادر خود محبت بورزید؛ به خویشان خود محبت بورزید؛ با مؤمنان رثوف باشید؛ دلسوز انسان‌های دیگر باشید.

۴- تبیین بخش «بیشتر بدانیم»

مطلبی که در این بخش آمده، دل نوشته شهیدی است که عاشق خداوند شد و با سن کم، در زندگی چیزی ارزشمندتر از خداوند برای عشق ورزیدن نیافت. او با همین عشق به دیدار خداوند شتافت. این افراد مصداق کسانی هستند که یک شبه ره صد ساله را رفته‌اند.

این بخش از این جهت اهمیت دارد که سن این شهید که زندگی نامه و نوشته‌های عرفانی او به راحتی در اینترنت قابل مشاهده است، به سن دانش‌آموزان این کتاب بسیار نزدیک است و حس هم ذات‌پنداری خوبی بین آنها ایجاد می‌کند. نوشته‌های عرفانی این شهید به اندازه‌ای پرمحتواست که مقام معظم رهبری درباره آن فرموده است: «من نوشته‌های او را بارها خوانده‌ام و هر بار که خواندم نکات جدیدی از آن برداشت کردم».

۵- تبیین «آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن»

یکی از سؤالات اساسی دانش‌آموزان در این درس این است که اگر عشق به خداوند تا این حد می‌تواند انسان را متحول کند، ما چگونه عاشق خداوند شویم. این بخش با سه راهکار راه عاشق خداوند شدن و غرق در محبوب واقعی شدن را می‌آموزد.

اولین راه، پیروی از خداوند است. پیروی از کسی که دوستش داریم، یکی از موضوعات پذیرفته شده بین همه انسان‌هاست. فرزندی که غیر از رابطه فرزندی با پدر و مادر، آنها را دوست دارد، انجام دادن دستورات آنها را نیز دوست دارد. یعنی فرمان پدر و مادر را نه تنها به خاطر این اطاعت می‌کند که آنها رنجیده نشوند، بلکه خودش دوست دارد که امر آنان را انجام دهد و چهره رضایت‌مند و شاد آنان را ببیند. همین حالت، در مراتب بسیار بالاتری برای کسانی که حقیقتاً به خدا عشق می‌ورزند، وجود دارد.

تذکر مهم: اطاعت از محبوب، میزان و معیار تشخیص دوست حقیقی از دوست تقلبی است. خیلی‌ها به همین بسنده می‌کنند که بگویند ما خدا را دوست داریم؛ اما وقتی وارد زندگی آنها می‌شویم، از نماز و مناجات با خدا خبری نیست و به دستورات خدا کاملاً بی‌توجه‌اند. به برخی جوانان چنین القا شده که علاقه قلبی به خدا کافی است؛ دل باید پاک باشد و با خدا پیوند داشته باشد و اطاعت و پیروی از فرمان‌های او و عمل صالح چندان اهمیت ندارد. ما باید بکشیم این نگرش غلط را اصلاح کنیم. این عقیده تحریف شده مسیحیت است که متأسفانه محبت بدون عمل را وارد فرهنگ دینی کرده است تا آنجا که برخی، عشق

ائمه اطهار، به خصوص امام حسین علیه السلام را بدون توجه به سیره آن بزرگواران، مایه نجات دانسته‌اند. اما همان‌طور که گفته شد، محال است کسی در دلش به کسی محبت واقعی داشته باشد؛ اما از او اطاعت نکند. در این بخش آیه ۳۱ سوره آل عمران به خوبی خاطر نشان می‌سازد که اگر کسی خداوند را واقعاً دوست داشته باشد و او را محبوب خود قرار داده باشد، حتماً به دستوراتش عمل می‌کند؛ وگرنه کسی که ادعا کند من خدا را دوست دارم، ولی به دستورات او عمل نکند، دروغ می‌گوید و فقط خودش را فریب می‌دهد (اشاره به روایت امام صادق علیه السلام در این بخش) وعده‌ای که خداوند در برابر عمل به دستوراتش به بندگانش خود داده این است که من نیز او را دوست می‌دارم و تمامی گناهانش را می‌بخشم. بنابراین میان عمل به دستورات الهی - که ضامن رستگاری ما در دنیا و آخرت است - و دوست داشتن خداوند رابطه متقابل و مستقیم وجود دارد و هریک موجب تقویت دیگری است.

انجام فعالیت «تفکر در احادیث»

در فعالیت کلاسی این بخش، مصادیق کارهایی ذکر شده که خداوند آنها را دوست دارد و ما با انجام دادن آنها به خداوند نشان می‌دهیم که ما نیز او را دوست داریم. کارهایی همانند توبه از گناهان، عفت، رسیدگی به در ماندگان، صرف جوانی در اطاعت خداوند و همواره تمیز و آراسته بودن. می‌توان به این موارد انجام تمامی واجبات دینی و اجتناب از محرّمات را اضافه کرد.

راه دوم دوستی با دوستان خداست. در اینجا باید از مثال‌های روزمره محیط پیرامون دانش‌آموزان استفاده کنیم. ابتدا باید تذکر دهیم که دوستی و معاشرت معمولی در اینجا مورد نظر نیست. بلکه محبت و عشق است که سبب می‌شود هرکس که محبوب شما را دوست داشته باشد، شما هم او را دوست بدارید. مثلاً ما به پدر و مادر خود علاقه داریم و گاهی این علاقه در حدّ عشق و محبت به آنهاست. به‌طور طبیعی کسانی که پدر و مادر ما را دوست داشته باشند، ما نیز آنها را دوست داریم. بنابراین، کسی که خداوند را دوست داشته باشد، حتماً دوستان خدا را نیز دوست خواهد داشت.

یکی از راه‌هایی که موجب می‌شود انسان خداوند را بیشتر دوست داشته باشد و او را محبوب دل خود قرار دهد، این است که دوستان او را دوست بدارد. خاصیت دوست داشتن دوستان خدا این است که با این کار انسان بیشتر متمایل به خداوند می‌شود؛ چون کارهای آنان ذکر و یاد خداست، حرف‌های آنان ذکر خداست و به‌طور خلاصه انسان با دیدن دوستان خداوند به یاد خداوند می‌افتد و در نتیجه انس بیشتری با خداوند پیدا می‌کند و محبت بیشتری نسبت به خداوند در دلش ایجاد می‌شود.

در اینجا خوب است به مصداق دوستان خداوند نیز اشاره شود. دوستان خداوند به صورت کلی کسانی‌اند که واجبات خدا را به جا می‌آورند و از محرّمات خداوند دوری می‌کنند که مصداق خاص آن عبارت‌اند از انبیا و اولیای الهی، بزرگان دین، عرفا، شهدا و تمام کسانی که واقعاً به دین خداوند خدمت می‌کنند و در

تلاش اند دین خداوند روی زمین تحقق پیدا کند.

راه سوم بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان است. دبیر محترم شایسته است ابتدا توضیح دهد که محبت به هر چیز، بیزاری از ضد آن را به دنبال دارد. علاقه به عدل، دشمنی با ظلم را در خود دارد. علاقه به بوی خوش، تفر از بوی بد را می آورد. کسی که یکی از هم کلاسی های خود را انسان صادق و درستکاری می بیند و از صمیم قلب به او علاقه دارد، از کسی که از روی حسادت و عناد به آن دوست بدی می کند، متنفر است.

تذکر: اگر ما به کسی علاقه داشتیم و با دشمن او هم دوست بودیم و به او هم واقعاً محبت می ورزیدیم، معلوم می شود که یا فرد اول را قلباً دوست نداریم یا فرد دوم را درست نمی شناسیم و چهره واقعی او برای ما روشن نشده است.

این نکته در موضع گیری های فرهنگی، سیاسی و ابعاد دیگر اجتماعی بسیار اهمیت دارد و تعیین کننده است. کسی که به نظام اسلامی علاقه مند است، محال است با نظام هایی در دنیا که کمر همت به نابودی این نظام بسته اند، دوستی کند. رفتار بسیاری از ایران پرست های ساکن اروپا و امریکا، این گونه است که در حرف ادعای عشق به میهن دارند، ولی نه تنها هیچ فداکاری ای به خاطر این عشق خود نمی کنند و سرگرم زندگی خوش و راحت خود هستند، بلکه در خدمت کسانی هستند که نقشه های پیچیده برای تجزیه کشور، وابسته کردن آن به امریکا و تضعیف ایران انجام می دهند.

ما باید دانش آموزان خود را به گونه ای تربیت کنیم که همچون مجاهدان دفاع مقدس، خط خود را همواره از دشمنان جدا کنند. دشمن شناسی آنها بسیار قوی باشد و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی خود را حتی در مواردی که انتقادی است، به گونه ای انجام دهند که دشمنان اسلام را ناامید کنند و امکان هیچ گونه سوء استفاده ای به آنها ندهند.

نکته مهم دیگر اینکه: یکی از تبلیغات استکبار و زمامداران ظالم جهانی در کشورهای ضعیف نگاه داشته، این است که می گویند: «دشمن تراشی و دشمن ستیزی مربوط به دوره توحش انسان است. دوره تمدن جدید، دوره آشتی کردن همه با هم است، این طور نیست که یک طرف حق باشد و یک طرف باطل. آری، آدم ها اختلاف نظر دارند؛ اما این گونه نیست که یکی بر حق باشد و دیگری بر باطل؛ لذا دشمنی معنا ندارد». این تبلیغ که در قالب های بسیار نامرئی و گاه با نظریه پردازی فلسفی، جامعه شناختی و تبیین فرهنگی همراه است، نتیجه اش تسلیم فرهنگی و سیاسی جوامع تحت ستم در مقابل جوامع ستمگر است که نمونه های فراوان آن را هم اکنون در دنیا می بینیم.

ابعاد مختلف این مسئله را می توان در پیام براثت امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۶۶ به روشنی دید که با تحلیلی عمیق باز شده است. همچنین شهید مطهری در کتاب حق و باطل، با تحلیل نبرد دائمی و تاریخی

میان آن دو، مبارزه مستمر با باطل را جزء ذاتی دینداری دانسته است، که البته هم امام خمینی و هم شهید مطهری این دیدگاه خود را از قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت بزرگوار ایشان علیهم السلام گرفته‌اند.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

در این فعالیت خواسته شده است دانش آموز مصادیق دشمنان خداوند و دین الهی را مشخص سازد. این فعالیت واگراست و بالطبع می‌توان مصادیق و جواب‌های متعددی برای آن یافت. فایده این فعالیت این است که دانش آموز می‌تواند میان مباحثی که در این درس می‌آموزد و دنیای بیرون به راحتی ارتباط برقرار کند. یافتن این مصادیق کمک شایانی به دانش آموز در یافتن دید دینی به امور و مسائل دنیا می‌کند. در این فعالیت از دانش آموز راهکار برای مقابله خواسته شده است. خواستن راهکار از خود دانش آموز موجب می‌شود دانش آموز احساس کند در این مسائل تکلیف دارد و راهکارهایش نیز در سن خودش کاربردی خواهد بود.

۷- «پاسخ سوالات شما»

با توجه به مطالبی که تاکنون مطرح شد، محبت الهی راه‌گشای تمامی مشکلات انسان و تسهیل‌کننده وصول انسان به خداوند است و برای این کار انسان باید به فرامین الهی عمل کند و با دوستان خداوند دوست باشد و با دشمنانش دشمن باشد. در اینجا اشکالی که وجود دارد این است که انسان می‌خواهد محبت الهی را در دلش جای دهد؛ ولی آن قدر محبت‌های دیگر در دلش جای گرفته است که نمی‌تواند این کار را بکند و تا اغیار در دل انسان باشد، خداوند در آن دل جای نمی‌گیرد. بنابراین چه باید کرد.

این بخش دقیقاً به دنبال ارائه راهکار برای خالی کردن دل و مصفا کردن آن برای خداوند است. در اینجا چهار گام عملی برای این مشکل ارائه شده که در متن به خوبی توضیح داده شده است.

دیران محترم توجه داشته باشند که یکی از مشکلات اساسی دانش‌آموزان در این سن داشتن ارتباط با جنس مخالف و در واقع دوستی با نامحرم است. هدف اصلی این بخش، بحث درباره این موضوع است تا دانش‌آموزی که به دنبال راهکار است، به راحتی بتواند راه حل مشکل خود را بیابد. ذکر خداوند، مبارزه با تخیلات، زیاد کردن ارتباط عاطفی با خانواده و... راهکارهای عملی برای قطع کردن این نوع ارتباطات است. گام‌هایی که کاملاً عملی است و با مشاوره با کارشناسان متعددی ارائه شده است. طبیعی است که این گام‌ها برای عده قابل توجهی که این مشکل را دارند، قابل اجرا و عملی است ولی در مواردی هم ممکن است پاسخگو نباشد. در این موارد بهترین راهکار مراجعه به مشاوران امین است که در مسائل دینی خبره باشند و بتوانند مشاوره‌هایی کاملاً دینی و مورد رضایت خداوند ارائه بدهند.

۸- اندیشه و تحقیق

با توجه به متن درس، یکی از آثار دوستی با خدا، پیروی از دستورات اوست. چگونه ممکن است کسی خداوند را دوست داشته باشد اما به دستورات او توجه نکند و حتی مخالف دستورات او عمل کند.

۲ در این سؤال، راه‌های بیزاری و دوری از باطل و باطل‌صفتان خواسته شده، مانند شناخت مصداق‌ها و نمونه‌های باطل و تحقیق پیرامون رفتار آنان، بررسی عواقب و سرنوشت باطل‌پیشگان، مطالعه خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه و مطالعه زندگی نامه شهدا و ...

۳ دانش‌آموزان براساس آنچه در این درس آموخته‌اند، باید بتوانند توضیح دهند که چه کسی با خدا صادق است و چه کسی نیست.

پاسخ این است که دوستی با خداوند، آثار و تجلیاتی دارد که اگر این آثار و تجلیات موجود باشد، شخص می‌تواند دریابد که در دوستی با خدا صادق است. آثار دوستی با خدا در درس توضیح داده شده است؛ پس، کسی می‌تواند بگوید با خدا دوست است که واقعاً دوستان خدا را دوست دارد، نه کسانی را که اهل فساد و گناه‌اند. همچنین کسی که خدا را دوست دارد، از دستورات خداوند پیروی می‌کند؛ نه اینکه دست به گناه بزند و هربار هم آن را توجیه کند؛ و بالاخره، با کسانی که دشمن خدا هستند، دشمنی قلبی و عملی دارد.

۴ دین با محبت خدا شروع می‌شود و با براهت و بیزاری از دشمنان خدا ادامه می‌یابد، نمی‌شود خدا را دوست داشت و به او عشق ورزید اما هیچ نفرتی از دشمنان خدا و کسانی که تلاش می‌کنند یاد خدا را در دل‌های افراد بخشکانند و جامعه را از مسیر خداوند دور کنند، نداشت.

د) پیشنهاد

پیشنهاد اول: درباره مبارزات پیامبران و امامان با زشتی‌ها و ستم‌کاری است. دانش‌آموزان می‌توانند با مراجعه به قرآن کریم و کتاب‌های تاریخی و سیره‌ها، نمونه‌هایی از این مبارزات را یادداشت و در کلاس بازگو کنند. این فعالیت به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که چگونه عشق و محبت پیامبران و امامان به خداوند، آنان را به مبارزه‌ای سرسختانه و همیشگی با بدی‌ها و زشتی‌ها کشانده است.

پیشنهاد دوم: درباره مبارزات امام خمینی علیه السلام است که در زمان ما و عصر حاضر اتفاق افتاده است تا دانش‌آموزان توجه کنند که یکی از پیروان بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عصر حاضر چگونه راه ایشان (آن حضرت) را پیموده است.

ه) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

معلم می‌تواند از اطلاعات زیر هنگام تدریس استفاده کند.

۱- کلمه **حَبّ** و مشتقات آن: ۹۵ بار در قرآن کریم آمده است و در چهل آیه قرآن، با استفاده از کلمه‌های «**یَحِبُّ**» و «**لَا یَحِبُّ**» به صراحت گفته شده است که خداوند چه کسانی را دوست دارد و چه کسانی را دوست ندارد.

۲- نکاتی از مرحوم علامه طباطبائی دربارهٔ حب و عشق الهی:

«حب عبارت است از علاقهٔ بین محب و محبوب یا به عبارتی انجذاب بین علت و معلول یا شبیه به آن؛ پس، ما افعالمان را دوست داریم تا به وسیلهٔ آن استکمال یابیم و چیزهایی را هم که متعلق به افعال ماست، دوست داریم. محبت به «طبیعی»، «خیالی»، «موهوم» و «عقلی» تقسیم می‌شود».

— خداوند از هر جهت که حساب شود، اهلیت دوست داشتن را دارد؛ چون کمال مطلق است، هستی او بالذات است و ما متناهی هستیم و حب متناهی به نامتناهی ذاتی است و از بین نمی‌رود. همچنین، خدا بر ما انعام می‌کند؛ آن هم به نعمت‌های غیرمتناهی از نظر عدد و زمان؛ پس ما به همین دلیل او را دوست داریم؛ همان‌طور که هر منعم دیگر را به خاطر انعامش دوست داریم.

— چون حب، یک رابطهٔ وجودی است، پس هر چیزی خود را دوست می‌دارد و چون هر محبتی همهٔ متعلقات محبوب خود را دوست دارد، پس، خداوند به این جهت که خود را دوست دارد، خلق خود را نیز دوست دارد».^۱

۳- **تولّی و تبری در همهٔ موجودات:** آیت‌الله جوادی آملی از مرحوم خواجه نصیر نقل می‌کند که «آنچه در نوع جمادات به نام دفع و جذب هست، در گیاهان نیز وجود دارد». آنگاه خودشان توضیح می‌دهند که «چون اگر سنگی یا خاکی بخواهد لعل شود، در بدخشان یا عقیق اندر یمن، ناچار است خاک‌های مستعد و مناسب را جذب و مواد ناسازگار را دفع کند». در واقع تولّی و تبری در گیاهان و جمادات به صورت جذب و دفع است. «در حیوانات به صورت غضب و شهوت درمی‌آید؛ از این دقیق‌تر می‌شود و به صورت محبت و عداوت جلوه می‌کند و از این مقدار بالاتر می‌آید، دقیق‌تر می‌شود و به صورت ارادت و کراهت ظهور می‌کند. از همهٔ اینها گذشته اگر خیلی دقیق و لطیف شد، به صورت تولّی و تبری جلوه می‌کند که این از ویژگی‌های خواص اولیای حق و مؤمنان الهی است».^۲

۴- **هر کس در قیامت با محبوب خود محشور می‌شود:** روزی یکی از اعراب نزد رسول خدا ﷺ آمد و از قیامت و صحنهٔ محشر سؤال کرد؛ ایشان فرمودند: «برای قیامت چه حاضر کرده‌ای؟» گفت: «چیزی ندارم، اما خدا و رسولش را دوست دارم».

پیامبر ﷺ فرمود: «انسان با چیزی که دوست دارد، محشور می‌شود».^۳

باید ببینیم درونمان چه چیزی می‌خواهد و محبوبش چیست؛ زیرا با همان محشور می‌شویم.

۵- **رابطهٔ محبت آمیز جناب ابوطالب و امام علی علیه السلام نسبت به پیامبر ﷺ:** زمانی که رسول خدا ﷺ و یارانش در شعب ابی‌طالب در محاصرهٔ کفار بودند و خطر به قتل رساندن پیامبر بسیار جدی بود، ابوطالب برای حفظ جان ایشان کارهای مختلفی انجام می‌داد؛ از جمله اینکه شب‌ها به دور از چشم

۱- تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶۱۸ به بعد (با کمی تصرف).

۲- حکمت عبادات، ص ۲۳۹ به بعد.

۳- حکمت عبادات، ص ۲۴۸.

دیگران، محل خواب پیامبر را تغییر می‌داد و به فرزندش علی علیه السلام می‌گفت که در بستر پیغمبر بخوابد و به او یادآوری می‌کرد که این کار را برای حفظ جان پیامبر می‌کند. علی علیه السلام نیز در جواب می‌فرمود: «من از این کار راضی هستم و تو را اطاعت می‌کنم».

۶- صلوات بر پیامبر و اهل بیتش، نشانهٔ محبت به ایشان است؛ به همین جهت پیشوایان ما بر آن تأکید کرده‌اند و فضیلت‌های بسیاری برای آن ذکر فرموده‌اند.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده‌اند: «أَنْقُلُ مَا يَوْضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ؛^۱ سنگین‌ترین چیزی که در میزان در روز قیامت قرار داده می‌شود، صلوات بر محمد و اهل بیت اوست».

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

خدا کاروانی از فرشتگان دارد که همواره در حرکت‌اند. وقتی به حلقه‌های ذکر می‌رسند، برخی از آنها می‌گویند، بنشینید. چون اهل جلسه دعا کنند، فرشتگان آمین می‌گویند و چون صلوات بر پیامبر فرستند، با آنها صلوات می‌فرستند تا اینکه تمام شود؛ سپس، برخی از ملائکه به برخی دیگر می‌گویند: «خوشا به حال این افراد که جلسه را ترک می‌کنند، در حالی که آمرزیده شده‌اند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الصَّلَاةُ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي تَذْهَبُ بِالتَّفَاقِقِ.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کسی که درخواستی و حاجتی از خدا دارد، باید ابتدا بر محمد و آل محمد صلوات فرستد؛ سپس، درخواست خود را بیان کند و بار دیگر بر محمد و آل محمد صلوات فرستد. خداوند عزوجل کریم‌تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و دعای وسط را فرو گذارد...»^۳.

(و منابع

- ۱- جاذبه و دافعهٔ علی علیه السلام؛ استاد شهید مطهری، انتشارات صدرا (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۲- دیوان حافظ (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۳- تفسیرالمیزان (ترجمهٔ فارسی)، علامه طباطبائی، ج ۱ (برای معلم)
- ۴- سیرهٔ نبوی، مصطفی دلشاد تهرانی، انتشارات وزارت ارشاد (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۵- فروغ‌ابدیت، استاد جعفر سبحانی، دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیه (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۶- نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی (برای معلم و دانش‌آموز)
- ۷- سلام بر خورشید، سیدعلی اکبر حسینی (برای دانش‌آموز)

۱- سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۴۹.

۲- سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۲۴۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۹۴.

الف) اهداف

۱- هدف کلی : تبیین نقش نماز و روزه در تقویت تقوا و دوری از گناه

۲- اهداف آموزشی :

- تبیین حقیقت تقوا
- تبیین نقش نماز در تقویت تقوا و بازدارندگی از گناه
- تبیین نقش روزه در تقویت تقوا
- بیان برخی از احکام مربوط به روزه

ب) محورهای اصلی درس

این درس شامل محورهای زیر است :

- ۱ نماز و روزه از عوامل تقویت تقوا و بازدارنده از گناه است.
- ۲ تقوا به معنای حفظ و نگه داشتن خود از ارتکاب به گناه است و انسان متقی کسی است که نفس خود را از حرکت در مسیر معصیت باز می‌دارد.
- ۳ توجه به اعمال و عبارتهای نماز، روحیه تقوا را در انسان تقویت می‌کند.
- ۴ نماز یک برنامه روزانه برای شست‌وشو و پاک شدن از گناه است.
- ۵ برخی اعمال تأثیر نماز را کم می‌کنند یا آن را به طور کامل از بین می‌برند.
- ۶ اگر روزه با آداب ظاهری و باطنی آن گرفته شود، روحیه تقوا را در انسان تقویت می‌کند.
- ۷ روزه دارای احکامی است که هر مسلمانی باید آن را بیاموزد.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است :

۱- تبیین بخش «تقوا»

محور اصلی، این درس، «تقوا»ست و اینکه «نماز» و «روزه» چه کمکی برای دستیابی به تقوا می‌کنند. به همین جهت، لازم است دبیر ابتدا حقیقت تقوا را توضیح دهد؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان احساس کنند

تقوا یک فضیلت دور از دسترس و یا پیچیده و سخت نیست. تقوا لازمه هر زندگی منظم و با برنامه دینی است. ما نباید تقوا را به صورتی بیان کنیم که دانش‌آموزان گمان کنند، فقط پیامبران و امامان و اولیای الهی می‌توانند به تقوا برسند.

هر فردی که بخواهد در مقابل گناهان بایستد و از فرمان‌های خداوند سرپیچی نکند، به تقوا نیازمند است، یعنی باید خودنگهدار باشد. برای تبیین بهتر این موضوع، بهتر است از نمونه‌های قابل درک برای دانش‌آموزان استفاده کنیم: خود نگهداری در مقابل کارهایی که ما را از درس خواندن برای کنکور بازمی‌دارد، یا مقاومت در مقابل کارهایی که نمی‌گذارند ورزش را مطابق برنامه پیش ببریم، یا نخوردن غذاهایی که برای بیماری ما مضرند و نیز پاسخ منفی به تقاضای دوستان ناباب، می‌تواند مفهوم تقوا را برای دانش‌آموزان روشن‌تر کند.

۲- تبیین بخش «نماز و بازدارندگی از گناه»

از دیدگاه قرآن کریم یک ثمره مهم نماز، بازدارندگی از فحشا و منکرات است؛ یعنی اگر کسی نماز را به درستی برپا دارد، به حالتی می‌رسد که می‌تواند خود را هنگام پیش آمدن گناه، حفظ کند و این حالت، همان حالت تقواست.

در اینجا، لازم است که به دانش‌آموزان نشان دهیم چگونه نماز انسان را از گناه بازمی‌دارد. اگر این کار به خوبی صورت گیرد، دانش‌آموزان پاسخ یک سؤال خود را هم می‌یابند. آنها معمولاً این سؤال را در ذهن دارند که چرا برخی نمازگزاران مرتکب برخی گناهان، حتی گناهان بزرگ می‌شوند. بنابراین، باید چند نکته را برای دانش‌آموزان روشن کنیم:

۱- نماز هنگامی دارای آثار و فواید سازنده است که به درستی و با شرایط خود انجام شود و هر قدر این شرایط بیشتر و بهتر رعایت شود، آثار آن بیشتر خواهد بود.

۲- اگر دیدیم نمازگزار مرتکب گناه می‌شود، درمی‌یابیم که یک نماز سطحی و بدون شرایط به‌جا می‌آورد؛ به همین دلیل تأثیر کمتری بر شخصیت او می‌گذارد.

۳- هر یک از ما می‌توانیم در میان خانواده، خویشان و آشنایان خود مشاهده کنیم که هر قدر توجه قلبی افراد به نماز بیشتر می‌شود و نماز را به خاطر خدا بزرگ می‌دارند و به‌جا می‌آورند، به همان میزان کمتر به سراغ گناه می‌روند و معمولاً نمازگزارانی که سرسری و بدون توجه نماز می‌خوانند، ممکن است مرتکب گناه شوند.

۴- اگر عبارات نماز را به دقت و با توجه بیان کنیم و در حالت نماز به آنچه می‌گوییم، واقعاً ایمان داشته باشیم، به تدریج محتوای آن عبارات در ما نفوذ می‌کند و بر ما تأثیر می‌گذارد.

در اینجا است که باید عبارات نماز را بیان کنیم و نشان دهیم اعتقاد واقعی به آن، سبب می‌شود که

حالت مقابل آن را از خود دور کنیم. این کار سبب می‌شود که توجه دانش‌آموزان به عبارات‌های نماز بیشتر شود و با آگاهی بیشتری نماز را به‌جا آورند.

۳- انجام فعالیت «بررسی»

در این فعالیت، دانش‌آموزان به پیدا کردن منکراتی می‌پردازند که در مقابل محتوای نماز قرار دارند. به طور مثال:

سوره توحید، درباره توحید الهی است و اگر کسی با توجه آن را بخواند، شرک را از خود دور خواهد کرد.

کسی که پیامبر اکرم ﷺ را دوست دارد و بر او درود می‌فرستد، با دشمنان پیامبر دوستی نخواهد کرد. کسی که به درگاه خدا دعا می‌کند و خواسته‌هایش را در قنوت با خدا در میان می‌گذارد، از دیگران درخواستی نخواهد داشت و چون می‌داند کلید اجابت همه خواسته‌ها نزد خداست و او بر هر کاری تواناست، همیشه در سختی‌ها و تنگناها به خدا امید دارد و هیچ‌گاه ناامید و مأیوس نمی‌شود.

کسی که می‌کوشد در جماعت مسلمانان حاضر شود، از تفرقه و جدایی دوری خواهد کرد.

کسی که می‌گوید خدا یا فقط تو را می‌پرستم، از پرستش غیرخدا خودداری می‌کند.

کسی که می‌گوید خدا یا فقط از تو یاری می‌خواهم، دست‌نیاز به سوی دیگران دراز نخواهد کرد.

۴- تبیین بخش «تکمیل احکام»

می‌دانیم که انسان برای خواندن نماز دو نوع طهارت لازم دارد:

الف) طهارت از نجاسات (طهارت از خبث)

ب) طهارت از حَدَث (شامل وضو، غسل و تیمم می‌شود)

برای طهارت اول لازم است که دانش‌آموزان نجاست را بشناسند تا در صورت آلوده شدن بدن یا لباس به آنها، خود را پاک کنند. برای طهارت دوم نیز لازم است عواملی را که باعث بطلان وضو یا غسل و تیمم می‌شود را بدانند.

همچنین با توجه به بالا رفتن آمار استفاده از مشروبات الکلی، لازم است دبیران با توجه به آیات قرآن، به بیان مضرات و عواقب این عمل شیطانی بپردازند.

۵- پاسخ سوالات شما

در این بخش به یکی از پرسش‌های رایج دانش‌آموزان درباره نماز پاسخ داده شده است. این پرسش که:

علت تأکید خداوند بر نماز چیست؟ مگر خدا به نماز ما احتیاجی دارد؟

شاه کلید پاسخ به این سؤال تأکید بر این نکته است: «این ما هستیم که به نماز که پل ارتباطی ما با خداست

نیاز داریم نه خدا». در حقیقت نماز به ما فایده می‌رساند و خدا از آن بی‌نیاز است. این پاسخ را می‌توان با یک مثال، به خوبی تبیین کرد:

اگر همه مردم رو به خورشید خانه بسازند؛ چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه مردم پشت به خورشید خانه بسازند؛ چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید نیازی به مردم ندارد که رو به او کنند. این مردم‌اند که برای دریافت نور و گرما باید خانه‌های خود را رو به خورشید بسازند.

خداوند هم منبع همه خیرات و خوبی‌هاست و ذره‌ای به عبادت مردم نیازی ندارد. این ما هستیم که با رو کردن به او از الطاف خاص الهی برخوردار می‌شویم و رشد می‌کنیم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر همه مردم کافر شوند ذره‌ای در خداوند اثر ندارد زیرا او از همه انسان‌ها بی‌نیاز است:

إِنْ تَكْفُرُوا لَنَا وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ (سوره ابراهیم، آیه ۸)».

۵- تبیین بخش «اعمالی که تأثیر نماز را از بین می‌برند»

در این قسمت توجه دانش‌آموزان را به این نکته جلب می‌کنیم که برخی اعمال موجب نابودی آثار نماز می‌شوند. دقیقاً همانند کسی که مدام استخر را از آب زلال پر می‌کند؛ اما به دلیل وجود سوراخ در کف استخر، آب را هدر می‌دهد. برخی اعمال نیز همانند سوراخ‌هایی هستند که تأثیرات و برکات نماز از آنها خارج می‌شود. غیبت کردن، ناراحت کردن والدین، نوشیدن شراب برخی از این اعمال هستند.

تذکر: حتماً در این بحث دانش‌آموزان را به این مسئله توجه دهید که ارتکاب چنین اعمالی هیچ وقت باعث نمی‌شود که مثلاً بگوییم: «حالا که من غیبت کرده‌ام و تا چهل روز نماز قبول درگاه الهی نیست، پس تا چهل روز نماز نمی‌خوانم». ارتکاب این گناهان هیچ دلیل موجهی برای ترک نماز نیست و اگر کسی نماز را با این دلیل ترک کند، در آن جهان مواخذه خواهد شد. توضیح بیشتر آنکه همان‌طور که در باورقی کتاب نیز آمده است، عباداتی مانند نماز دو دسته شرط دارند. یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال. نماز فرد غیبت‌کننده شرط صحت را دارد؛ یعنی نمازش صحیح است و مثلاً نیازی نیست که بعداً قضای آن را به‌جا بیاورد و در قیامت به خاطر ترک نماز مواخذه نمی‌شود؛ اما نماز وی شرط کمال را ندارد؛ یعنی آثار و برکاتی که بر نماز مترتب است؛ شامل حال چنین فردی نمی‌شود. بنابراین اگر در روایات گفته می‌شود که نمازش قبول نیست، منظور این است که شرط کمال را ندارد.

۶- بیشتر بدانیم

این بخش که با عنوان «دو رکعت عشق» در کتاب مطرح شده است، ذکر خاطره‌ای درباره‌ی اهتمام و توجه رزمندگان دفاع مقدس به نماز است. رزمنده‌ای که دو دست خود را از دست داده و از شدت درد و خونریزی بی‌رمق روی تخت افتاده است، نماز خود را فراموش نمی‌کند و در سخت‌ترین شرایط جسمانی به اقامه نماز می‌پردازد. شاید این بخش تلنگر به کسانی باشد که با کوچک‌ترین بهانه‌ای نماز خود را ترک

می‌کنند یا به آن بی‌توجهی می‌کنند. قطعاً خداوند در روز قیامت این نمونه‌ها را به کسانی که به بهانه‌های واهی نسبت به نماز بی‌توجه بودند، نشان می‌دهد و بر دلایل سست آنان برای ترک یا بی‌توجهی به نماز خط بطلان می‌کشد.

۷- تبیین بخش «روزه و تقویت تقوا»

آنچه در روزه‌داری نمود عینی دارد، «صبر» است. هرکس که روزه گرفته باشد، حالت صبر در مقابل خوردن و آشامیدن را تمرین کرده است. صبر، به تدریج سبب تقویت حالت خود نگهداری در انسان می‌شود. البته باید بکشیم که دانش‌آموزان را متوجه این نکته کنیم که روزه، فقط پرهیز خود از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه باید علاوه بر نگهداری خود از خوردن و آشامیدن، حفظ نفس در مقابل سایر گناهان هم مورد نظر باشد.

از این رو، باید علاوه بر دهان، اعضای دیگر را هم وارد روزه کرد و روزه آنها را توضیح داد. روزه گوش، چشم، زبان، دست و پا و... حفظ خود از گناهان مربوط به گوش، چشم و زبان و مانند آن باید در ماه رمضان تمرین شود تا در ماه‌های دیگر هم ادامه یابد.

۸- انجام فعالیت «بررسی»

انجام این فعالیت توسط دانش‌آموزان، آنان را متوجه می‌کند که روزه‌داری فقط تحمل گرسنگی و تشنگی نیست. رسول خدا ﷺ که آورنده حکم روزه از جانب خداست، خود روزه حقیقی را مشخص کرده و فرموده است که باید روزه به گونه‌ای انجام شود که علاوه بر تحمل تشنگی و گرسنگی، صفت تقوا و خود نگهداری از گناه نیز در ما پدید آید. از این رو بهترین عمل در ماه رمضان ترک گناه دانسته شده است.

۹- تبیین بخش «احکام روزه»

دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با احکام اصلی روزه، آشنا شده‌اند؛ اما برای یادآوری، لازم است که بار دیگر این احکام مرور شود.

برخی باطل‌کننده‌های روزه، مانند استمنا در کتاب درسی ذکر شده است. این مطلب با توجه به عادت برخی دانش‌آموزان به این عمل حرام ذکر شده است؛ البته دبیران باید شرایط کلاس را در نظر بگیرند و در صورت نیاز، در این باره توضیح دهند.

برخی احکام ویژه دختران است که دبیران باید با مراجعه به یک رساله، آن احکام ضروری را به اطلاع دانش‌آموزان برسانند.

۱۰- انجام «فعالیت کلاسی»

این فعالیت، به این دلیل طراحی شده که ضرورت داشتن مرجع تقلید را به دانش‌آموزان آموزش دهد و آنها برای احکام ضروری خود به رساله مرجع تقلید خود مراجعه کنند. البته حکم مسائلی که در این فعالیت

آمده، میان فقها مشترک است و اختلافی نیست. اما بهتر است رساله‌ای به کلاس بیاوریم و پاسخ را از رساله استخراج کنیم یا از دانش‌آموزان بخواهیم که پاسخ این مسئله‌ها را در منزل از رساله به دست آورند و در جلسه بعد ارائه دهند.

- اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد، روزه‌اش باطل نیست.
- اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان ماند است، عمداً بخورد، روزه‌اش باطل می‌شود.
- روزه‌دار نباید غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آنها را به حلق خود برساند.
- استفراغ روزه را باطل نمی‌کند مگر اینکه استفراغ عمدی باشد، یعنی اینکه انسان خودش دست در حلق خود کند تا بالا بیاورد.

۱۱- اندیشه و تحقیق

در این قسمت چند سؤال درباره نماز طرح شده است تا دانش‌آموزان بدانند که نیازمند داشتن توضیح المسائل اند.

- ۱ در صورتی که قبل از رسیدن به آن مکان چیزی نخورده و نیاشامیده باشد.
- ۲ این مسافر نمی‌تواند در آن روز، روزه بگیرد و بعداً باید قضای آن روز را به جا آورد.
- ۳ روزه خود را باید ادامه دهد.
- ۴ اگر پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ شرعی برود، وقتی به حد ترخص رسید (یعنی جایی که دیوار شهر دیده نمی‌شود و صدای اذان آن شنیده نمی‌شود) باید روزه خود را افطار کند.

توجه : تفاوت حد ترخص و مسافت شرعی

متأسفانه برخی دیران حد ترخص را همان مسافت شرعی می‌دانند درحالی که مسافت شرعی هشت فرسخ است (هر چند به صورت رفت و برگشت باشد، یعنی ۴ فرسخ رفت و ۴ فرسخ برگشت)، اما حد ترخص مسافتی است که دیوارهای شهر از آن جا دیده نمی‌شود و صدای اذان شهر شنیده نمی‌شود (طبق تحقیقات انجام گرفته حد ترخص از آخر شهر حدود ۱۳۵۰ متر می‌باشد). کسی که می‌خواهد به مسافرت برود و مسافت وی حداقل ۸ فرسخ است (به صورت رفت و برگشت) وقتی قبل از ظهر حرکت کند و به حد ترخص برسد، می‌تواند روزه‌اش را افطار کند.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱- برخی احکام مورد نیاز درباره روزه :

- بر کردن یا جرم‌گیری و کشیدن دندان در ماه رمضان، زمانی جایز است که مطمئن باشیم آبی که به وسیله

دستگاه وارد فضای دهان می‌شود یا خون، وارد حلق نمی‌شود.

■ فرو بردن خلط، اگر به فضای دهان نیامده باشد، اشکال ندارد.

■ تنفس بخار حمام در هنگام روزه، مانعی ندارد.

■ استفاده از عطر، شامپو و کرم در ماه رمضان، باطل‌کننده روزه نیست.

■ کسی که به حرمت استمنای آگاهی نداشته باشد و نمی‌داندسته این کار روزه را باطل می‌کند و بدون غسل، نماز

می‌خوانده و روزه می‌گرفته است، بنا بر فتوای امام خمینی و بعضی دیگر از مراجع مانند آیت‌الله سیستانی، اگر

واقعاً جاهل به حکم مسئله بوده و در تحقیق و سؤال کوتاهی نکرده باشد، روزه‌هایش قضا ندارد ولی نمازهایی را

که بدون غسل خوانده است، باید قضا کند؛ البته برخی دیگر از مراجع در خصوص چنین فردی این گونه حکم

داده‌اند که روزه این فرد باطل است و باید آن را قضا کند اما کفارہ ندارد (آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله مکارم

شیرازی)

هـ) منابع

۱ فلسفه روزه برای جوانان، اسدالله محمدی‌نیا، نشر سبیط اکبر (برای دانش‌آموز)

۲ اهمیت پزشکی روزه در سلامت انسان، حبیب‌الله جعفری، انتشارات امیرکبیر (برای معلم و

دانش‌آموز)

۳ اهمیت روزه از نظر علم روز، احمد صبور اردوبادی، انتشارات رسالت قلم (برای معلم و دانش‌آموز)

۴ روزه از دیدگاه قرآن و عترت، سیدجعفر میرعظیمی، نشر رسالتی (برای معلم)

۵ جشن میهمانی خدا، مهدی جعفری، مرکز ترجمه و نشر کتاب (برای معلم و دانش‌آموز)

۶ روزه درمان بیماری‌های جسم و روح، سیدحسین موسوی، دفتر تبلیغات اسلامی (برای معلم و

دانش‌آموز)

۷ ره‌توشه رمضان، رضا قربانیان، پیام عترت (برای معلم و دانش‌آموز)

۸ روزه و رمضان، محمدحسین فلاح‌زاده، سازمان تبلیغات اسلامی

الف) اهداف

هدف کلی: آشنایی با ارزشمندی دو میل درونی یعنی «آراستگی» و «مقبولیت» و لزوم همراهی این دو با عفاف

اهداف آموزشی:

- تبیین معنای آراستگی و توجه دادن دانش آموز به اهمیت آراستگی باطنی در کنار آراستگی ظاهری
- آشنایی با نظر پیشوایان دین درباره آراستگی و توصیه‌های آنان در این مورد
- آشنایی با تأثیر آراستگی و پاکیزگی بر زندگی فردی و اجتماعی
- تبیین معنای مقبولیت و چگونگی کسب آن از راه‌های صحیح
- شناخت رابطه آراستگی و عفاف
- شناخت رابطه مقبولیت و عفاف

ب) محورهای اصلی درس

- ۱ میل به آراستگی از امیال فطری انسان است و گرایش به آن نه تنها مذموم نیست؛ بلکه به جهت پاسخ به یکی از امیال طبیعی انسان، به آن تأکید شده است.
- ۲ اسلام نیز بر آراستگی ظاهر و باطن تأکید می‌کند و پیشوایان دین، انسان‌هایی آراسته از لحاظ ظاهر و باطن بوده‌اند.
- ۳ اسلام علاوه بر توصیه‌های همگانی و عمومی به حفظ آراستگی در مردان و زنان، توصیه‌های اختصاصی نیز درباره آراستگی زنان و آراستگی مردان دارد.
- ۴ نیاز به مقبولیت نیز از نیازهای فطری هر انسان به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی است.
- ۵ عفاف صرفاً به حوزه پوشیدگی و حجاب بر نمی‌گردد؛ بلکه طبق تعریف دقیق، عفاف حالتی درونی است که انسان را از تندروری یا کندروی در پاسخگویی به امیال طبیعی بازمی‌دارد.
- ۶ بنابر تعریف عفاف، انسان باید در برآوردن امیال فطری خود همچون آراستگی و مقبولیت، از افراط و تفریط خودداری کند.
- ۷ از آنجا که زیبایی در زن عموماً بیشتر از مرد است، توجه به عفاف برای او ارزشمندتر و مقدس‌تر است.

ج) اجزای تدریس

این درس شامل اجزای زیر است:

۱- تبیین بخش «آراستگی، سیره پیشوایان دین»

در این قسمت، باید دانش آموز را با پنج نکته مهم درباره آراستگی آشنا کنیم:

۱ وقتی آراستگی را می‌ستاییم منظور ما فقط آراستگی ظاهری نیست؛ بلکه شایسته است انسان علاوه بر توجه به آراستگی ظاهر به آراستگی درون خود نیز توجه داشته باشد و همان‌طور که سعی می‌کند ظاهرش را از زشتی‌ها پاک کند، باید درونش را نیز از رذایل اخلاقی دور سازد و به زیبایی‌های اخلاقی آراسته شود.

۲ دانش آموز باید بداند که میل به آراستگی میلی فطری است که خداوند در درون انسان قرار داده است و پاسخ صحیح به آن نه تنها بد نیست؛ بلکه مورد تأکید است. آنچه مهم است این است که به این امیال به طرز صحیح و به دور از افراط و تفریط پاسخ داده شود که در قسمت «ارتباط عفاف؛ آراستگی و مقبولیت» به این بحث پرداخته خواهد شد. بنابراین کسی که به آراستگی خود توجه دارد، به ندای فطرت خود پاسخ داده است و این امری پسندیده است. توجه به این نکته از آن جهت است که برخی از جوانان و جوانان گمان می‌کنند که توجه به آراستگی ظاهر کاری نادرست و مذموم است. البته در قسمت ارتباط عفاف با آراستگی این نکته بیان می‌شود

۳ توجه به آراستگی یکی از موضوعاتی است که پیشوایان دین بر آن تأکید کرده‌اند و بزرگان دین ما خود در زمره آراسته‌ترین افراد جامعه خویش بوده‌اند. بیان سیره معصومان علیهم‌السلام در این باره سبب می‌شود که دانش‌آموزان دریافت درست و شفافی از دیدگاه اسلام به دست آورند.

اگر دانش‌آموزان احساس کنند که اسلام به آراستگی توجه کرده و به این گرایش طبیعی پاسخ مثبت داده است، علاقه‌مندی آنها به اسلام افزایش می‌یابد و پذیرش احکام دین در حوزه آراستگی برای آنها آسان‌تر می‌شود.

شایسته است دبیر محترم علاوه بر موارد ذکر شده در کتاب، موارد دیگری از سیره معصومان علیهم‌السلام را برای دانش‌آموزان بیان کند تا اطلاعات آنها افزایش یابد.

۴ نکته دیگر، آراستگی در عبادت است که می‌تواند در نوع نگاه دانش‌آموزان نسبت به عبادت هم مؤثر باشد. عبادت که به ظاهر، ربطی با آراستگی ندارد و یک عمل معنوی است، در اسلام با آراستگی، کاملاً گره خورده است؛ زیرا میان ظاهر و باطن انسان رابطه است. کسی که با ظاهری ژولیده به نماز می‌ایستد، از بی‌توجهی خود نسبت به خدا یا روح درهم‌ریخته خود خیر می‌دهد. دانش‌آموز درمی‌یابد دینی که به آراستگی هنگام عبادت، اهمیت می‌دهد یک دین واقع‌گرا و متعادل است. او اندک‌اندک باید متوجه شود که میان آراستگی و بی‌بندوباری تفاوت وجود دارد. بی‌بندوباری در هر جا و هر مورد از نظر خداوند پسندیده

نیست؛ به‌ویژه در عبادت. مثلاً اگر کسی چون عبادت خوب است، هر جا که رسید، روی هر زمینی هر چند نجس یا غصبی، می‌تواند نماز بخواند نمازش مورد قبول خدا نیست. و این، بی‌بندوباری در عبادت است. بی‌بندوباری در آراستگی نیز پسندیده نیست. آراستگی در منزل با آراستگی در خیابان متفاوت است و انسان بی‌بندوبار کسی است که میان این دو تفاوت قائل نمی‌شود.

۵ وقتی از توجه به آراستگی در دین اسلام سخن می‌گوییم، بسیاری از دختران احساس می‌کنند که با توجه به تأکید اسلام بر پوشیدگی زنان، این سفارش‌ها صرفاً دربارهٔ مردان است و به زنان در خصوص بحث آراستگی توجهی نشده است. به همین دلیل در بخش پایانی موضوع آراستگی سعی شده با ذکر نمونه‌ای بر این نکته تأکید شود که در اسلام به آراسته بودن زنان نیز با رعایت حدود شرعی توجه شده است. بلند گذاشتن ناخن برای زن یکی از این نمونه‌هاست. علاوه بر این می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام همسر و دخترانش را با طلا و نقره آراسته می‌کرد (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۰۳۹، کافی، ج ۶، ص ۴۷۵)

از امام باقر علیه السلام در مورد طلا برای زنان سؤال شد. ایشان فرمودند: استفاده از آن هیچ اشکالی ندارد. سزاوار نیست زن از زیورات استفاده نکند ولو به آویختن گردن‌بندی به گردنش باشد. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۷)

دینی که طلا را برای مردان حرام می‌داند، آن را برای زنان سفارش می‌کند و پیامبری که مردان را به کوتاه کردن ناخن سفارش می‌کند، زنان را به بلند گذاشتن مقداری از ناخن توصیه می‌کند. این موارد نشان می‌دهد که توصیه به آراستگی صرفاً دربارهٔ مردان نیست.

۲- تبیین بحث «مقبولیت»

یکی دیگر از امیال درونی انسان، نیاز به توجه و تحسین دیگران یا همان مقبول واقع شدن است. در این قسمت نیز باید این نکته را تذکر دهیم که علاقهٔ انسان به مقبول واقع شدن امر مذمومی نیست؛ زیرا این میل نیز از امیالی است که از سوی خداوند در بشر نهاده شده است. آنچه مهم است این است که به این امیال از طریق صحیح پاسخ داده شود. هر کس برای رسیدن به این هدف، راهی را در پیش می‌گیرد. کسانی که روحیه‌ای قوی و باطنی متعادل دارند، با شکوفا ساختن استعدادهای درونی خود، تحسین دیگران را برمی‌انگیزاند؛ اما انسان‌های حقیر با به کارگیری روش‌های ناپسند، دست به این کار می‌زنند و در نهایت، عده‌ای وضع ظاهری خود را وسیلهٔ جلب توجه دیگران قرار می‌دهند. البته در بسیاری از موارد هم این کار به‌طور ناخودآگاه انجام می‌گیرد و اگر در این باره از این افراد سؤال شود، برای کار خود دلایل دیگری می‌آورند.

۳- تبیین بحث «عفاف»

در این بخش معنای عفاف که یکی دیگر از امور فطری است، بررسی شده است. عفاف حالتی است که

انسان را از افراط و تفریط در پاسخ‌گویی به امیال خویش باز می‌دارد و انسان را دعوت به اعتدال می‌کند. بنابراین تعریف معنای عفاف بر خلاف تصور امروزی محدود در موضوع شهوت نمی‌شود. بلکه عفاف در کنار هر یک از امیال انسانی معنا می‌یابد. یعنی به‌گونه‌ای باشیم که نه در پاسخ‌گویی به امیال طبیعی خویش دچار سستی و خمودی باشیم و به تعبیری به تفریط گرفتار آییم و نه دچار زیاده‌روی و هواپرستی شویم. به تعبیر شهید مطهری اسلام نه مانند برخی مکاتب غربی است که قائل به آزادی کامل امیال انسان باشد و نه چون برخی مکاتب شرق می‌اندیشد که بگوید باید ریشه امیال را در درون انسان خشکاند. مطهری این امیال را چون رودخانه‌ای خروشان می‌داند که رها ساختن بی‌حد و مرز آن سبب طغیان رودخانه و در نتیجه خسارت و آسیب می‌شود و خشکاندن آن نیز باعث محروم شدن انسان از ثمرات آن می‌گردد. وی دیدگاه اسلام را حد وسط این دو دیدگاه می‌داند. دیدگاهی که معتقد است به جای خشکاندن یا رها کردن رودخانه باید روی آن سدی زد تا مهار رودخانه به‌دست خودمان باشد و هر جا لازم بود آب را رها کنیم و هر جا لازم بود جلوی آن را بگیریم.

بنابراین، عفاف همان سدی است که باید در برابر امیال ساخت تا هم جلوی طغیان آن را بگیریم و هم از خشکاندن ریشه‌های آن دوری کنیم.

۴- تبیین بخش «ارتباط عفاف با آراستگی و مقبولیت»

پس از تبیین معنای عفت، به بیان ارتباط آن با دو میل درونی انسان، یعنی آراستگی و مقبولیت می‌پردازیم. همان‌طور که گفته شد عفاف یعنی حد وسط در برآوردن امیال. خداوند خالق ماست و تمامی امیال را او خلق کرده است. از همین رو خداوندی که خالق میل ما به آراستگی است، خود فرمان داده است که در برابر این میل عفاف داشته باشیم، یعنی حد وسط را نگه دارید. به تعبیر دیگر نه شلخته و ژولیده باشید و نه به حد خودنمایی برسید.

همان‌قدری که میل به مقبولیت را در ما نهاده است، خود فرمان داده است که حد وسط را نگه داریم. یعنی نه از همسالان و جامعه‌ها خود گریزان باشیم و نه این که برای کسب مقبولیت در میان آنان از هر وسیله‌ای استفاده کنیم؛ بلکه رو به سوی کشف استعدادها و توانایی‌های خود بیاوریم و با رشد آنها زمینه مقبولیت خویش را فراهم کنیم.

تذکر: توجه دادن دانش‌آموزان به دو حدیثی که در این بخش آمده است، اهمیت بسیاری دارد. آنان باید بدانند که خودنمایی و تبرج، گناه و معصیت بزرگی است و طغیان از فرمان الهی حساب می‌شود. آنچه بر میزان قبح این گناه می‌افزاید، این است که این افراد موجبات معصیت دیگران را نیز فراهم می‌کنند و گناه موجب انحراف دیگران می‌شوند. برخی گناهان جنبه شخصی دارند و فقط به خود انسان لطمه می‌زنند؛ اما برخی گناهان علاوه بر لطمه به خود باعث انحراف دیگران نیز می‌شوند و برای همین نزد خدا از زشتی بیشتری برخوردار است و تبرج از آن جمله است.

۵- تبیین بخش «زن، مظهر عفاف»

اگرچه زن و مرد هر دو باید عقیف باشند، اما وجود این صفت ارزشمند در زنان ارزش بیشتری دارد. شاید دانش‌آموزان سؤال کنند: چرا؟ علت اصلی مربوط به روان‌شناسی زن و مرد و وضع جسمانی هر کدام از آنهاست.

خداوند زن را مظهر جمال خود آفریده است. زن و مرد هر دو این احساس را دارند که زن مظهر زیبایی است، به همین جهت هم به زیورآلات و پوشش‌های زیبا علاقه دارد. از طرف دیگر، خداوند، مرد را به گونه‌ای آفریده که تمایلش به زن را در رفتار نشان می‌دهد و به سوی او می‌رود. یعنی جاذبه، غالباً از ناحیه زن است و جذب شدن از ناحیه مرد. این حالت، سبب می‌شود که بنیان خانواده، تحکیم یابد و کشش و پیوند میان زن و شوهر برقرار شود. اگر این جاذبه نباشد، محیط خانواده، بیشتر شبیه یک محیط اداری می‌شود که افراد، صرفاً برای انجام وظیفه گرد هم جمع شده‌اند.

این ویژگی‌های متفاوت که در تمام رفتارهای زن و مرد خود را نشان می‌دهد، زن باید حرمت و حریم از جنبه‌های گوناگون، مانند نحوه سخن گفتن با مرد، راه رفتن از روی حیا و پوشش مناسب حفظ کند و مرد از جنبه‌های دیگری، مانند مهار نگاه و عدم اختلاط با زنان، باید خود را حفظ و تقوای خود را تقویت کند.

رعایت این امور برای آن است که از یک طرف جامعه به محیطی تبدیل نشود که افراد فاسد به حرمت زنان تعرض کنند و از طرف دیگر، جاذبه زن و مرد در خانواده به قدری باشد که کمتر سبب جدایی گردد. میزان طلاق‌های رسمی، جدا شدن‌های عاطفی و بالا رفتن سن ازدواج، ارتباط مستقیمی با میزان رعایت عفاف و حجاب توسط زنان و مردان دارد.

۶- انجام فعالیت «بررسی»

این فعالیت، برای ارزیابی میزان انطباق پوشش افراد با احکام اسلامی است. در این فعالیت، دانش‌آموزان به نقد و بررسی این موضوع می‌پردازند و هر کس خود را نیز به‌طور غیرمستقیم ارزیابی می‌کند و با نقاط قوت و ضعف خود در این زمینه آشنا می‌شود.

۷- اندیشه و تحقیق

۱ در سؤال اول، تفاوت‌های آراستگی و خودنمایی بررسی می‌شود. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو کوچکی نفس در خودنمایی و سلامت نفس در آراستگی است. توضیح بیشتر اینکه، فردی که رو به خودنمایی می‌آورد، ضعف روح و نداشتن عزت نفس خود را نشان می‌دهد زیرا این رفتار او نشان‌دهنده این است که وی در درون خود تهی است و از ظرفیت‌های درونی‌اش غافل است و برای دیده شدن رو به خودنمایی می‌آورد؛ اما در آراستگی فرد به دنبال خودنمایی نیست زیرا در درون خود استعدادها و

ارزش‌های والایی را دارد، که ارزش خود را به آنها می‌داند و حاضر نیست به خاطر امور سطحی و ظاهری مورد توجه قرار گیرد.

۲ دانش‌آموزان براساس آموخته‌های خود توضیح می‌دهند که چون زن بیش از مرد به نعمت زیبایی آراسته است و این زیبایی هم درونی و هم ظاهری است (درونی همچون احساسات و عواطف زیبای زنانه و بیرونی چون زیبایی ظاهر)، برای حفظ این نعمت و دور ماندن آن از نگاه نااهلان، شایسته است زنان توجه ویژه‌ای به عفاف داشته باشند تا این نعمت اختصاصی آنان مورد دستبرد هوسرانان قرار نگیرد.

۸- پیشنهاد

پیشنهاد اول، برای توجه دادن دانش‌آموزان به الگوهای صحیح و نقد الگوهای منفی است.
پیشنهاد دوم، برای تأمل با خویش و نقد و ارزیابی خود و محاسبه نفس است.

د) دانستنی‌های ضروری و اطلاعات مورد نیاز معلم

۱ موضوع عفاف و آراستگی، یکی از موضوعات بسیار مهم و حساسی است که نه تنها برای نوجوانان و جوانان امروز، بلکه برای قشر وسیعی از بزرگسالان مطرح است و باید از زوایای گوناگون، آن را بررسی کرد. جوانان و نوجوانان با ورود به دوره بلوغ، به جسم و زیبایی خود توجه خاصی می‌کنند. در این میان، آراسته بودن و نظافت ظاهری مورد تأیید اسلام است؛ اما از سوی دیگر، فرهنگ جدید جهانی براساس زیربنای انسان‌شناسانه خود که به جنبه ظاهری و جسمانی وجود انسان توجه دارد و هویت انسان را در همین حقیقت ظاهری می‌بیند، شرایطی را ایجاد کرده است که قید و بندهای مربوط به عفاف گسیخته شود؛ الگوهای بی‌شماری برای رسیدگی به وضع ظاهری ارائه گردد و هر روز مُد جدیدی روانه بازار شود؛ به طوری که افراد هنوز از یک الگو و مُد فارغ نشده‌اند که شیوه و مُد جدیدی به بازار می‌آید. برای تعمیم و گسترش این فرهنگ که در حقیقت فرهنگ برهنگی است، از شخصیت‌های مرجع جوانان و نوجوانان مانند ورزشکاران و هنرمندان به‌عنوان الگو بسیار استفاده می‌شود. برخی بازیکنان مشهور فوتبال طبق قراردادهایی که با شرکت‌های تبلیغاتی و تجاری دارند، موظف‌اند که آرایش موی سر و صورت خود را برای مدتی معین – مثلاً یک یا دو سال – در حالت خاصی نگه دارند تا بازار فروش کالاهای آن شرکت‌ها را گرم کنند!

۲ توجه داشته باشیم که زیربنا و باطن حجاب، عفاف است که امری فطری تلقی می‌شود و همه انسان‌ها به محض درک انسانیت خود به عفاف خود نیز، توجه می‌کنند. در داستان خلقت انسان و زندگی حضرت آدم و حوا در بهشت اولیه که بهشت قبل از تشریح بود، وقتی آن‌دو، میوه ممنوعه را می‌خورند و برای ورود به زندگی دنیایی آماده می‌شوند، به اولین چیزی که توجه می‌کنند، عفت است. آیه زیر بیان همین واقعیت است:

«فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»^۱.

بنابراین، باید بتوانیم روحیه عفاف را زنده نگه داریم و پرورش دهیم.

۳ یکی از مظاهر عفاف، آراستگی همراه با پوشش مناسب است. عفاف، جلوه‌های دیگری نیز در رفتار مسلمانان دارد که باید بر آنها تأکید کرد؛ از جمله، اجتناب از نگاه کردن به نامحرم، رعایت حد و حدود صحبت کردن در محیط کار و کوچه و خیابان، منع دیگران از بی‌بندوباری در روابط اجتماعی و اموری از این قبیل.

۴ یکی از مسائلی که امروزه برای دانش‌آموزان مطرح است، مقایسه جامعه خود با جوامع غربی است. آنها می‌گویند: «چرا با اینکه حجاب و پوشش در غرب وجود ندارد، مشکلات و نابسامانی‌های ناشی از نبود حجاب در جوامع غربی مشاهده نمی‌شود؛ اما در جامعه ما که پوشش و حجاب هست، برخی بی‌بندوباری‌ها در میان جوانان دیده می‌شود که قبلاً نبوده است»؛ در اینجا باید به چند نکته توجه کرد:

الف) در پاسخ به این سؤال، باید از موضع‌گیری یک‌جانبه مثبت یا منفی دوری گزید و به جای دادن پاسخ فوری و یک‌جانبه، گام به گام و به تدریج، سؤال را تحلیل نمود و به کمک خود دانش‌آموزان، پاسخ را نتیجه‌گیری کرد. همچنین باید از دادن آمارهای اغراق‌آمیز و سیاه‌نمایی طرف مقابل پرهیز شود.

ب) توجه کنیم که در جامعه فعلی ما، کسانی بی‌بندوبارند که عفاف و پوشش اسلامی را نادیده می‌گیرند و به قانون دین توجهی نمی‌کنند. در واقع، کسانی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌ترند، بیشتر به مظاهر مختلف فساد رو می‌آورند؛ بنابراین، در همین جامعه ما، گرفتار شدن برخی جوانان و بزرگسالان در دام بی‌بندوباری، ناشی از عدم توجه آنها به عفاف و حیاست. عواملی چون بیکاری برخی جوانان، فاصله طبقاتی میان برخی اقشار، ضعف در کار فرهنگی و تبلیغی، اتخاذ روش‌های نامناسب تربیتی در خانواده و هجوم تبلیغات منحرف‌کننده بیگانگان و دشمنان، نقش زیادی در بی‌توجهی جوانان به عفاف و حیا دارند.

ج) متفکران بزرگ غرب و دلسوزان جوامع غربی معتقدند که این جوامع از جهت رفاه مادی و پیشرفت صنعتی به درجات بسیار بالایی رسیده‌اند؛ اما یک خطر همواره آنها را تهدید می‌کند و مشکلات بی‌شماری را برایشان به ارمغان آورده است و آن، فساد اخلاقی است. از آنجا که قدرت مادی کشورهای صنعتی زیاد است، آثار و تبلیغات این فساد اخلاقی حتی دامن‌گیر کشورهای جهان سوم هم می‌شود؛ نمونه‌های این امر، تجارت مواد مخدر، تجارت دختران و کودکان از جهان سوم به کشورهای غربی، ورود الگوهای مختلف بی‌بندوباری جنسی، قرص‌های روان‌گردان، گروه‌های فساد، فیلم‌های ضد اخلاقی و مانند آن از غرب به جهان سوم است.

د) نکته بسیار حائز اهمیت این است که معمولاً نگاه یک مسلمان به زندگی و هدف زندگی، با نگاه یک انسان غربی متفاوت است. از منظر انسانی که هدفش در زندگی رسیدن به رفاه مادی است، بسیاری از رابطه‌ها و مراودات، مجاز و حتی خوب شمرده می‌شوند؛ در حالی که همین روابط از منظر انسانی که هدفی جز رستگاری اخروی ندارد، غیر مجاز و گناه است؛ به همین دلیل در غرب روابط نامشروع وجود دارد؛ اما

جُرم تلقی نمی‌شود و لذا، وجود فرزندی که از راه غیر مشروع به وجود آمده‌اند، برای مردم آن‌گونه جوامع قُبُحی ندارد. در واقع، آنان صورت مسئله را پاک کرده‌اند. البته مورد یاد شده، باعث شده است که در آن جوامع، خانواده مفهوم خود را از دست بدهد و با سست شدن این کانون، گرفتاری و ناهنجاری‌های بزرگی ظهور کند. اکنون اغلب مردم در جوامع غربی نگران این‌گونه ناهنجاری‌ها و گرفتاری‌ها هستند.

ه) روشن است که اگر خواهش‌های جسمانی که یکی از مهم‌ترین آنها خواهش‌های جنسی است، تعدیل نشود و در چارچوبی قرار نگیرد، فرصت پرداختن به جنبه‌های معنوی از میان می‌رود؛ در نتیجه، قوای فکری، تخیلی، عقلی و احساسی آدمی متوجه آن خواهش‌ها خواهد شد و از حرکت برای تعالی روحی باز خواهد ایستاد. در چنین شرایطی، حتی اگر انسان بسیار عاقلانه هم حرکت کند، صرفاً به حیوانی پیشرفته، توسعه‌یافته و مبادی آداب تبدیل خواهد شد.

۵ سخنانی از پیشوایان دین درباره آراستگی و عفاف

توجه به آراستگی

قرآن کریم: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ ای فرزندان آدم، زینت خود را در هر نماز با خود بردارید.

رسول خدا ﷺ: مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا فَلْيَنْظِفْهُ.^۱

امام علی علیه السلام: آراسته کردن خود، از اخلاق مؤمنان است.^۲

امام علی علیه السلام: همچنان که دوست دارید افراد بیگانه و غریبه شما را در بهترین شکل ببینند و خود را برای آنها می‌آرایید، وقتی نزد برادر مسلمان خود نیز می‌روید، به همان صورت، خوشتن را بیارید.^۳

امام صادق علیه السلام: الْبَسْ وَ تَجَمَّلْ، فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ، يُحِبُّ الْجَمَالَ، وَلِيَكُنْ مِنْ حَلَالٍ.^۴

امام صادق علیه السلام: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بوی خوش، بیش از غذای خود هزینه می‌کرد.^۵

امام رضا علیه السلام: سزاوار نیست که مرد استفاده هر روزه از بوی خوش را ترک کند؛ اگر نتوانست یک روز در میان و باز اگر نتوانست، هر جمعه خود را خوش بو کند و هیچ‌گاه این کار را رها نکند.^۶

امام صادق علیه السلام: دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز است که بدون

بوی خوش به جا آرند.^۷

رابطه آراستگی باطن و ظاهر

۱- سورة اعراف، آیه ۳۱.

۲- اصول کافی، ج ۶، ص ۲۴۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، حدیث ۱۱۷۵.

۴- خصال، شیخ صدوق، ص ۶۱۲.

۵- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۰.

۶- مکارم الاخلاق، ص ۱۰۴.

۷- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۴۰.

۸- ثواب الاعمال، ص ۳۶۲.

امام حسن عسکری علیه السلام: حُسْنُ الصَّوْرَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ؛ خوب بودن چهره و صورت، زیبایی ظاهری و خوب بودن عقل، زیبایی باطنی است.^۱
امام علی علیه السلام: آراستگی باطن، زیباتر است از آراستگی ظاهر.^۲
۷ سخنانی از بزرگان

استاد شهید مطهری: گرایش انسان به زیبایی و جمال، یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی‌ها و تناسب‌ها و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است.^۳
استاد محمدتقی جعفری: انسان، به ارتباط با زیبایی محتاج است. بدون زیبایی، روح در تاریکی و خشونت ماده خسته می‌شود.^۴

سعیدی: بزرگی را در محفلی همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌نمودند؛ سر از جیب تفکر برآورد و گفت: من آنم که دانم.

شخصم به چشم عالمیان، خوب منظر است
وز خُبث باطنم، سرخجالت فتاده پیش

به نقش و نگاری که هست، خلق
تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش

متن زیر از جواد محدثی، برای خواندن در کلاس مناسب است:

«چشم» دریچه‌ای به دنیای قلب است.

«دیدن» و «نظر»، خواستن دل را در پی دارد.

«هر آنچه دیده بیند، دل کند یاد».^۵

با این حساب، باید به آنچه در «چشم انداز» ما قرار می‌گیرد، حساس باشیم. دیدنی‌ها – چه خوب و چه بد – گرایش ما را به سوی خود «جذب» می‌کند و ما اغلب مجذوب چیزی می‌شویم که می‌بینیم. اگر به افق دوردست بنگریم، «وسعت دید» پیدا می‌کنیم و اگر فقط به جلوی پای خود نگاه کنیم، «نقد اندیش»، «حاضرگرا» و «تنگ نظر» می‌شویم. چرا «نگاه حرام» آن همه نکوهش شده است؟ چون دل را هم به دنبال حرام می‌کشد.

نگاه به چهره عالم، نگاه به در خانه عالم، نگاه به آیات قرآن، عبادت است؛ چون این نگاه، جلوه‌هایی از معنویت، پاکی و حق را به درون انسان منتقل می‌کند.

عارفان، مراقب چشم و نگاه خویش‌اند؛ به حرام نمی‌نگرند، تا تیرگی و سیاهی از روزنه «نگاه پاک» به «خانه دل» نفوذ نکند. وقتی دل از راه چشم تغذیه می‌شود، چرا «غذای حرام» به آن بدهیم؟

۱- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۲- غررالحکم و دررالکلم، حدیث ۵۵۰۳.

۳- فطرت، ص ۸۰.

۴- زیبایی هنر از دیدگاه اسلام، استاد محمدتقی جعفری.

۵- بابا طاهر.